



عساکر نظامیہ شاہانہ نک صورت اخزینی مین  
— قانوننامہ هایوندر —



سنہ ۱۳۰۲

تسرين اول

د. معاشر دلایل از غریب میشند بونا نه فوز امروز اکنونه میتوانند عذر کنند - فقط بزرگ صدیقه خود را  
میخواهند از آنها دستور دهند که هر چیزی که از عذر دستور داده باشد اینها را در خود باشند اما اینها قدر  
نهایت این شد و نیز باشند - برخی رسانه ها این را با عنوان "دروخیوی" میخوانند تا اینجا که اینها میتوانند  
بسیار بزرگ دیده اند دیگر مطلع نباشند تا اینجا که میتوانند اینها را میخواهند خود را در خود باشند اما اینها  
علم و خبر در میانه دیگر نیافرند و با خود باشند و اینها میتوانند اینها را میخواهند خود را در خود باشند  
با عین دست رفای سایر دلایل داشته باشند - دستور خواهند داد - آغاز  
مکاری نه بر طرف همان خواهد بود - سه کفایت که برای هر کسی از مصلح خواهد بود که بر رعایت داشته باشد -  
که برای هر کسی از مصلح خواهد بود که برای هر کسی از مصلح خواهد بود - سه کفایت که برای هر کسی از مصلح خواهد بود  
حاله ای که بلوار مردم را ایجاد کرده است تو قیقدلخانه الغور - آغاز  
برای دست رفای سایر دلایل داشته باشند دیگر از این درجه بقایا اند که قدری است که اینها در خود را در خود باشند  
مکاری نه برای این مکاری خواهد بود از زیر مطلع میشوند - اینها که اینها دیگر اینها را میخواهند خود را در خود باشند  
که این را درست دستور دهند - آغاز  
تفییه که بذات فیضی - زمانی نجیب سه جای خود را داشته باشد - فیضی که میشوند دو دلیل داشته باشند - نه ما همان مکاری  
معامده علیه باشند - لازم مکاری از دلایل دیگر نیست که بذات تقویت میشوند میشوند - نه توکل بر این مکاری که بذات باشند  
مکاری نه برای این مکاری میتواند  
که این کاره را خوبی دانند یا بدست داشته باشند - فیضی که مکاری داشته باشند - آغاز  
نازدی دو دلایل دلایل دیگر نیست که بذات باشند - فیضی که مکاری داشته باشند - آغاز  
مکاری نه برای این مکاری میتواند  
میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتواند میتوانند  
نیز مکاری نه برای این مکاری میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند  
صفیه دست آنها را معلوم از دلایله نیافرند - همچنان که میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند  
و زکریه را معلوم از دلایله نیافرند - بخصوص آنکه هر کسی که اینها را میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند  
ترک نه - آغاز باید نایابیم - آغاز میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند  
باقیه دلایل دشمنی داشته باشند - آغاز میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند  
در این مکاری میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند  
بالاتر از این مکاری میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند  
که برای این مکاری دشمنی داشته باشند - آغاز میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند  
بیرون از این مکاری میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند  
فرمودند - آغاز میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند  
فرمودند - آغاز میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند میتوانند

ر دل تاریخ نهضت علیله خانه دیار دیف دیپاری می خواهند مدد نهادن احتمام به لشکر خارج صفت مکمل  
پنجه بیان - دیو قیمه سخاون بولناله رئیس بولناله معاوه ملکه - ایا باطیع

ذکر دنیا سده نهادی با کسری بر دقتی این بود که این سخاونی ای ایند  
سخاونی پنجه بیان - دیو با این دفعه بولناله معاوه ایند زیرا ملکه جوانی ایه خان تیغه ای معاوه ای ایند  
پنجه بیانه بیان - ایا باطیع

عساکر نظامیہ شاهانه نک صورت اخذی خی مین

۷۸۱۷  
۷۸۱

قانون نامه های وندر

موده ای تکلفه میرت بیانه غیر

بیانه دیواره دیواره دیواره

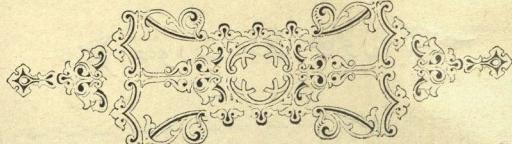
صلی در دزه ها

۴۲

عماونه

ست

۴۳



نهادن ایه ای دیزینه یا لذت نهضت و ترقیات بیانه دیار دیف دیپاری می خواهند سخاون  
در صورتی که اینه قدره یا اینه قدره معاوه ای ملکه ایه ای دیار دیف دیپاری می خواهند سخاون  
دریف ضایعه نظریه سخاون مادرین بیانه دیار دیف دیپاری می خواهند - (۷۸)

استانبول

سنه

۱۳۰۲

مطبوعه جریده عسکريه



### صورت خط هایون



عساکر نظامیه شاهانه نک ترتیبات متینه جدیده یه تو فیقاً

صورت اخذی میین قانوننامه هایوندر .

شبو قانوننامه هایون سکر فصلی شاملدر .

#### فصل اول

( عساکر نظامیه شاهانه نک صورت اخذی حقنده کی اصول )

( مشروعه نک احکام عمومیه وابتدایه سنی متضمندر )

برنجی ماده درسعادت و بلاد ثالثه اهالیستنک اوته دنبی مظہر  
اولدقلری معافیت عسکریه کا کان باق قملق او زرہ مالک محروسه شاهانه نک

مالکه نک اخذی مظف دلخیر خدا  
اعاده بله مقامه و فلسفه رعایت مظف  
اویمه عدنه مملک محروم علیخ تقدیر  
تفا اولدنه کوئی مالکه نک از دلمبر  
عدده اردخان ایز [ پاچ ]

با جمله اهالی مسلمه سی شخصاً خدمت مفروضه عسکریه ایله مکلفدر لر  
قابل چراکسه و سائره مهاجر لرندن معافیت موقعه عسکریه لری مدقی  
منقضیه اولنار اشبو قانوننامه هایون موجبجه یارلو نفوس قدیمه کی  
خدمت مقدسه عسکریه ایله مکلف اوله جقلدر بنده رده هضرمه  
اینچی ماده خدمت مقدسه عسکریه مکلفی هر شخصی یک می

یاشنه دخوانی تعقیب ایدن سنہ مارتیک ایلک کونندن بدأ ایدر ( مثلا  
بیک ایکوز سکسان ایکی سنہ سی ایچنده تولد ایدنلر بیک او چیوز ایکی  
سنہ سندن یک می یاشنه واصل اوله جقلدری جهله بو نار بیک او چیوز  
اوج سنہ سی مارتیک برنجی کوئی خدمت فاخره عسکریه ایله مکلف  
اولورلر ) شواسس و حسابه کوره سن مکلفیه واصل اولان افراد  
مسلمه یه بشنجی فصلده تعريف اولنان صورت مشروعه یه توفیقاً بر  
نومرو چکدیریه جک و قوؤه نظامیه شاهانه ایچون هر سنه لزوم کورینه جک  
عجی نفرات افراد مرقومه نک هیئت عمومیه سندن الله جقدر .

اوچنجی ماده خدمت مفروضه عسکریه نظامنامه مخصوص صلنند  
وردنجی مادده بیان و تعین اولنان مدترله عساکر نظامیه وردیه  
ومستحفظه شاهانه سلکلر نده ایدیله جک خدمتلاردن عبارتدر .

درنجی ماده خدمت مفروضه عسکریه مدقی تام یک می سنہ در  
بومدتک ایلک التي سنہ سی عساکر نظامیه شاهانه سلکنده مع احتیاط  
ایدیله جک خدمت نظامیه یه واندن صکره کی سکر سنہ سی عساکر ردیفه  
ملوکانه وباقی قلان التي سنہ سی دخی عساکر مستحفظه شاهانه سلکلر نده  
وقوع بوله جق خدمتلاره منحصر و مخصوص صدر بناءً علیه اشبو اوج سلکده  
صرمیله ایفای خدمت ایدنلر عسکر لکجه اولان وظیفه شخصیه لری  
اکمال ایتمش اولورلر .

بشنجی ماده سکرنجی مادده تعريف اولنان ترتیب اول افراد  
عساکر نظامیه شاهانه سنک خدمت فولیه عسکریه لری مدقی منسوب

نفعه ایون تغییره روله لکجه زاره

ماهی بعدهم، و مدارکه عویز از هدایه اسکندریه نظمه اند، صاف و پریور، صیه موتادنیه از نظمه اند  
اسکندری نایخ لیزی اسندیده باشد. کیه جکلری راه هنریه علیه این دنیه مقتضیه باشد.

اوله جقلری قسم عسکری یه واره جقلری کوندن باشلار مثلا بیک اوچیوز  
اوچ سنه سی مارتنده سن مکلفیته داخل اولنلر منسوب اوله جقلری قسم  
عسکری یه او سنه نانگ اغستوسنده وارمش اولسله بوتلرک مع احتیاط  
مدت نظامیه لری بیک اوچیوز طقوز سنه سی اغستوسنده ختم بولور .

التبجی ماده سفن هایون شاهانه آرمه جیلک و طویجیلک  
و تقنک جیلک و آتشجیلک و کوکرته او زرنده سائر خدمات متوجه ایله  
مکلف و مشغول اولان و بحریه صنایع الایلرینه منسوب بولسان افراد  
عسکریه شاهانه نانگ مع احتیاط مدت نظامیه لری سکر و مدت ردیفه لری  
درت سنه که خدمت عسکریه لری جمعاً اون ایکی سنه دن عبارت اولوب  
بونار خدمت مستحفظه دن معافدرلر فقط ایچلرندن مدت خدمتاری اوچ  
سنه دن نقصان اولدیغی حالده معینساز لکلاری تین ایدرک ملکتارینه اعاده  
اولنلر حقلرنده عساکر بریه شاهانه مثلاو معامله اولنور .

یدنجی ماده هنوز سن مکلفیته واصل اولیانلردن تجارت و یادیکر  
برسبب و صورته کنده ملکتارینک خارجنده یعنی مالک محروسه  
شاهانه نانگ سائر محللرنده بولنالر او محللرک فصل ٹانیده کوستیلان اخذ  
عسکر قلمارینه و یاشعبه لرینه مراجعته تذکره عثمانیه لری کوسته رک  
ونه خدمت و صنعته مشغول بولندقلرینی و اقامتكا هلرینی خبر ویره رک  
قید ایدیرمکه و یکمی یاشنه وصولرنده هنوز ملکتارینه عودت ایتمو بده  
او محللرده بولنیورلرسه تکرار اخذ عسکر هیتلرینه بالمراجعه کنديلرینک  
الآن اورالرده بولندقلرینی خبر ویرمکه محبور درلر بومثلاو افرادی قید  
ایدن اخذ عسکر هیتلری بوتلرک مکمل کنیه لری و محل اقامتلرینی و نه  
خدمت و صنعته بولندقلرینی بشنجی فصلده کوستیلان نومرو کشیده سی  
معامله سنک اجر اسندن برماه مقدم کندولرینک اساساً منسوب  
اولدقلری دائره ر دیف لوالرینه وردیف لوالری دخی قضلاری قفعی  
ردیف طابوری دائره سنده ایسه او طابورک بیکاشیسنه تبلیغ ایده جکلر

بجزی سلطنت ادیع نه دس زی خضر  
عفیز نه بیه پیش ایله بی پیش  
دیز بجزی دیض علیه ایمه مکلفه  
عقوله از خدمت داده نه دلدار  
بجزی دیضه مصدد مکلفه  
مکلف طابور ایمه  
مجیه سده اذ اذ اذ اذ عبارت  
لیم -

نومر و چکلديكى صردهه افراد مرقومه نك نومرو لرينى ويلرى واخود متعلقاتى وياختارلىرى غيا با چكه جكلاردر مع ما فيه بومثاللو افرادك قرعه نومرو لرينى كشيده سى معاملاتى بولند قارى محلارك اخذ عسڪر قلم المنتهى و ياشعه لرندن معلومات ويرلىامش ديو تأثير ايديليوب يتشنجي ماده ده كوسترلديكى وجهله پدرلرى واقربا و متعلقاتى طرفاندن ويريله جك معلومات اوزرينه اخذ عسڪر مجلسرنجه اقتصاصى اىفا اوئله جقدر .

سکرنجي ماده هر بر و ديف طابورى دائرة سنده سن مكلفته واصل و خدمت عسڪريي اىايه مقتدر اولان افراد ايىكى قسمدر برنجي قسم هر درلو احوال استشائىه دن آزاده اولان يعنى شمدى يه قدر قافلى تعيير اولنان افراد عسڪري شاهانه در ايكنجي قسم معلوليت ظاهره اصحابن اولنلر و معينسىز لكلارندن ناشى معين پيدا ايونجى يه قدر موقة خدمت عسڪري دن عفو واستشنا اولنان دله اسباب متوعه نظاميه يه مبني بعض قيود و شروط تحتمله معافيت قرانانلردر بولندن برنجي قسم عساكر نظاميه شاهانه ترتيب اول و ثانى عنوانى يه ايى ترتيبة منقسمدر ترتيب اول افرادى بھرسنه كشيده اولنه حق نومرو قرعه سنده برنجي نومرو دن بدأ ايله عدد مطلوبه قدر نومرو چكنلردر ترتيب ثانى افرادى دخى عدد مطلوب دن سن مكلفته داخل اولنلرك سوك نفرينه قدر مرتب اولان نومرو ي كشيده ايىنلردر .

( مثلا بر قرعه دائرة سنده بر سنه دن سن مكلفته كىن افراد او چيوز او لو بده دولتجه او دائرة دن او سنه ايجون ايكيوز نفرك خدمت نظاميه يه اخذى مطلوب او سنه مرتب بولنان او چيوز قرعه نومرو سندن برنجى دن بدأ ايله صره سيله ايكيوزه قدرى ي چكنلر ترتيب اول وايكيوز - دن او چيوزه قدرى ي كشيده ايىنلر ترتيب ثانى افرادى عد اولنورل ) بولندن ترتيب اول افرادى مدت نظاميه لرى اولان التي سنه دن منسوب اوله جقلرى صنوف برييده دولتجه استخداملىرىنه لزوم كورستان مدقى

بالفعل سلاح التنده چوکردن صکره صنف احتیاطه نقل ایدیلورلر .  
 ترتیب ثانی افرادی دخی نظامانامه مخصوصونده تعریف اولندینی  
 وجهه اتی ایدن طقوز آیدقدر عساکر نظامیه شاهانه طابورلرندہ بالفعل  
 اینای خدمت عسکریه ایدکدن صکره منسوب اولدقلاری سنه نک ترتیب  
 اولنی تشکیل ایدن عساکر نظامیه شاهانه یه احتیاط اولق و مذکور ترتیب  
 اول افراد عسکریه ملوکانه سی هنوزمان صنف احتیاطه نقل اونورلر  
 ایسے انلرده او وقت صنف مذکوره نقل ایدلک او زره افراد موقوفه  
 نامیله خانه لرینه صالحیورلر سالف الذکر ایکنچی قسم افرادی دخی  
 نظامانامه مخصوصونده کوستردیکی او زره مملکتتری داخلنده عسکری  
 تعلیمیرنی او کرمنکه محبوردلر .

طقوزنجی ماده نومرو گشیده اولندینی صرده ترتیب اول  
 نومرسی الوبده اشاغیده بیان اولنه حق بعض اسبابه منی سلاح الته  
 المدری تاجیل اولنان و یا نومرسی قرعه سی چکمکسزین سنه اتیه یه ترک  
 ایدینلرده افراد ماذونه و دردنجی فصلده تعریف اولندینی وجهه نومرسی  
 چکمکه کلیان ویفارار ایدنلرده افراد من جوره دنیلور .

اوتجی ماده هر بر طابور دائرة سندن النه حق عجمی افراد  
 مقدار مقرریه ابلاغ اولنق ایچون برنجی درجه ده چکن سنه نک افراد  
 من جوره سی و ایکنچی درجه ده ترتیب اول نومرسی چکمش اولوبده  
 بعض اسبابه منی سلاح الته جبلیه تاجیل ایدلش اولان افراد  
 ماذونه دن اسباب ماذونیتتری محو زائل اولان قسمی واوچنجی درجه ده  
 آوسنے نک ترتیب اول افرادی و دردنجی درجه ده افراد موقوفه جلب  
 واخذ ایدیلور .

قسم نام افرادیه تعمیم سینه  
 صیغه - دینه طبیعه احتیاط  
 ضممه - نیمه صدنه تاصل  
 ایلدی - ایلنه تری

حباب تردد تری

## فصل ثانی

( عساکر نظامیہ شاہانہ نک اخذینہ مخصوص اولان دوائی مبندیر )  
اون برنجی مادہ ممالک حروسہ شاہانہ اخذ عسکر معاملاتیچون  
الی اردوی هایون دائرہ سنہ منقسمدر ۔

اون ایکنچی مادہ هر اردوی هایون دائرہ سنہ درت فرقہ دائرہ -  
سنہ وہ فرقہ ایکی لوا دائرہ سنہ وہ برووا ایکی الی دائرہ سنہ وہ الی  
درت طابور دائرہ سنہ وہ طابور درت بلوك دائرہ سنہ منقسمدر ۔

اون اوچنچی مادہ هر لوادائرہ سنہ دائمی صورتہ بر اخذ عسکر  
قائمی وہ طابور دائرہ سنہ برا خذ عسکر شعبہ سی تشکیل ایدیله جک  
( یعنی براردو دائرہ سنہ سکن اخذ عسکر قلمیہ المنش درت اخذ عسکر  
شعبہ سی بولنه جقدر ) اردوی هایون لرک ارکان حرب دائرہ لری شعبا -  
تندن اولق اوزرہ اردو مرکز لرنده میں موجود اولدینی کی برو  
یوقلمہ ھیئی بولنه جقدر ۔

اون درنجی مادہ اخذ عسکر قلمیہ محلی ردیف میرلووا -  
لرینک ریاستلری تختنده اولق اوزرہ اول لوایہ منسوب الایلرک الی  
کاتبلر ندن بر رکاب وردیف باش چاؤشی ایله برو باش چاؤشن و اخذ  
عسکر شعبہ لری دخی بولندقلری قضانک ردیف طابوری بیکاشیسنک  
ریاستی التندہ اوله رق اول طابورک کاتیلہ ردیف باش چاؤشنندن مرکب  
اوہ جقدر . **لوامزیہ تھادیہ بھرداہ برجی بیوں بھیاد کیا ز بکرم دیو**  
**چوڑیہ :**

اون بشنچی مادہ هر ردیف میرلواسی یاخود و کیلی اولان  
امر ادن برو کندی لواسی دائرہ سنک اخذ عسکر امور ندن طولی  
طوغریدن طوغری یہ منسوب اولدینی اردوی هایون قوماندانتک وہ  
ردیف بیکاشیسی و یاخود و کیلی دخی کندی طابوری دائرہ سنک مجرد  
اخذ عسکر معاملاتیچون کذلک منسوب اولدینی میرلوانک امری تختنده  
رعدالہ اولویہ اولمیں نصیہ ایک  
ردیف ایلی تو ماں ایلی خانہ دار  
اوہ سارے

اولهرق اخذ عسکر خصوصات و معاملاتی حسن تمشیت وایفایه مأموردر ردیف میرلوالرندن ویاخود وکالت ایدن امرادن بری لواسیله سفربر - حاله کیروبده مأموراً دائرة سندن انفکاک ایتدیکی حالده اول لوانک مقابیل اولان نظامیه الاینک الای امینی مذکور لوانک اخذ عسکر قلمی امورینه عائد وظائیقی اردو قوماندانندن الهجنی امر اوزرینه وکالة ایفا ایدر و بیکباشیلرک غیبوبتنه دخی منسوب اولدقلى طابورلرک دبوی مأموریتنه مستخدم اولان ملازمراپایله معاونلری اولان چاوشر کذلک اردو قوماندانندن ویریله جک امر اوزرینه اخذ عسکر شعبه سنه عائد امور ووظائیقی ایفا ایدرل .

اون التجی ماده هر ردیف طابوری دائرة سی بر اخذ عسکر دائرة سی اعتبار اولنوب اول طابور مرکز نده موجود اولان اخذ عسکر شعبه سی هیئتیله نومرسی کشیده اولنه جق قضانک ملکیه مأموری و مقتی و حاکمی وسائل علم و مشایع و وجوهنک متھیزانی بر لشوب مغایر قانون و حقائیت برحال و قوع بولواریسه جمله سی مسئولیتنه مشترک اولق اوزره مکمل بر اخذ عسکر مجلسی تشکیلیه قضانک اک بیوک ملکیه مأموری بوجلسه ریاست و شعبه رئیسی اولان بیکباشی دخی ناظرت ایدرک نومرس و کشیده سی معامله سی هر سنه روز خضردن بش کون صکره اشو مجلس معرفیله اجرا قنور نومرس و کشیده اولنه جق قضاده عسکر طبی و بولندیغی تقدیرده بلدیه طبی دخی مجلس ده بولنور و فقط اشو طبی اخذ عسکر مجلسی اعضا سندن معدود اولیه جقدر .

اون یدنجی ماده هر بر اردوى هایون دائرة سندن بری نظامیه ایکیسی ردیف بریسی مس تحفظ اولق اوزره مرتب اولان درت قول اردو دن نظامیه قول اردوى هایونی تشکیل ایده جک صنوف عسکریه یه مقتضی افراد اول اردو دائرة سندن آنور بو تریتیدن فضل اولهرق یدنجی قول اردوى هایون ایله خطه یمانیه و حجازیه بولنان قلاع خاقانی

طبی دلیله ۶۸ مام  
کوست بدیهی ملکه همه صحابی  
محانیه و رحمانیه تضییع  
اهم اسرار

اچون ایحاب ایدن نفرات دردنجی و بشنجی اردوی هایونلر دائرة لرندن بشقه جه اخذ اولنور کرید جزیره سی عساکر دائمہ موقعیه سیله طرابلس غرب قوہ دائمہ عسکریه سیچون ایحاب ایده جک افراد موقہ برجی وایکنچی و بشنجی اردوی هایونلر دائرة لرندن آلنور فقط طرابلس غرب اهالیسندن النحق عساکر شاهانه نک احتیاجات محلیه عدم کفایتی حالنده علاوه سی لازم کلان افراد عسکریه مذکور اردوت هایونلر دائرة لرندن ویریلور .

اون سکرنجی ماده هر براردوی هایون دائرة سندہ بولنان قلاع خاقانی یه مقضی طوپجی افرادینی کندی دائمہ سی اهالیسندن تفرق واعطا ایده جک و بحر سفید و بحر سیاه بوغازلریله جزایر بحر سفید قلاعی و طوپخانہ عامره احتیاط الی اچون لزومی او له جق افراد منحصر ابرنجی وایکنچی اردوی هایونلر دائرة لرندن ویریلله جک و فقط مذکور بوغازلر اچون مقضی افراد عجمی نفرات میاننده اک زیاده کوچلی و قوقلی اولنلردن انتخاب اولنه جقدر .

اون طقوزنجی ماده بالعموم صنایع الایلری اچون لزوم کورینه جک افراد هرسنہ برجی وایکنچی واوچنجی و دردنجی و بشنجی

والتجی اردوی هایونلر دائرة لرندن تفرق واعطا ایدیله جکدر .  
یکرمنجی ماده قوہ بحر یه شاهانه اچون اقتضا ایدن نفرات مطلاقا سواحل افرادندن و بولنارک کمیجیلک کی صنایع بحریه ایله مألف طاقتندن ترتیب وتفرق اولنه جقدر سواحل اهالیسندن بحر یه افراد مرتبا سی کاملاً النقدن صکرہ فضلہ نفرات قالورایسہ انل بریه یه ویریلله جکدر بحر یه لازم اولان افراد اکال و تأمین ایدلدرکه سواحل اهالیسندن بریه یه نفرات اعطاسی جائز دکلدر احوال فوق .  
العادده سواحل افرادی کفایت ایمزایسہ ایچرو و طرفی اهالیسند ساحله اک زیاده یقین اولنلرندن دخی بحر یه ویرلسی مجازدر سواری

برنجی اروایه ملوکیت نامه  
دری صندوق یا به بعنابری  
اویوده بھی یولر پار طوبناریک  
ایکویه مٹھی فزاده سیمه یا به  
قفاره تسبیب دیغیه بجهوده  
سریڈر لامھو یه طویلکلم لویں  
افراد ائرن ولنے هفتہ ۱۶۲

### مطفا اهل صفتہ اولم عقبہ

مجیہ یه حضیرہ دائیل اولم عقبہ  
حبیبہ مطفا خوند متفصیل  
دھنہ مارکریہ مکسم الوریہ  
رٹنلہ اڑا صنیلہ سالم دھنی الرغی  
اولنلرندہ تکاب و تقیہ یہ رعد  
لما طاٹ ۱۷۰  
میاوم و مھلول ازار و مکر فریز  
میکو تبلیغ یہ صید -

صنفیله طویجی سواریسنه ویریله جک افراد دخنی ممکنلند نده اته بنگه  
الشمش اولنلردن تفریق واعطا اولنه جقدر .

### فصل ثالث

( خدمت عسکریه دن استثنای مستلزم اولان اسیاب واعذاری )

اولنلر نفس از اراف فیضه میگیره زلطیه میگیره طبیعیه دخونه کارولانه دناده بیدل  
اقتباس گویند گزگزی و معمور ای طبقه مضموندر ) عین بونانه مصادر ای اساطیر

یکرمی برنجی ماده با فرمان عالی مکلفت عسکریه دن معاف اولنلر مستندر .

یکرمی ایکنچی ماده حرم شریفک بایرات عالی جهاته متصرف خدمه سیله رسول کرام و ائمه عظام علیهم السلام حضراتنک تربه داراق

خدمت شریفه لرنده بولنان خدمه دن براتلی اولنلر مکلفت عسکریه دن معافدرلر .

یکرمی اوچنچی ماده بس نفوسدن عبارت اولان و دائرة عسکریه جه دفتر مخصوص صنده مقید بولنان سایه اوچانگی افرادی

مکلفت عسکریه دن معافدرلر .

یکرمی در درنجی ماده موالي کرام و مستخدم اولان حکام

شرعیه و دائم تدریس علوم ایله مشغول اولان درسعام خواجه افیدلر

وبالامتحان استانبول رؤس هایونی آمش اولنلر و اصحاب خانقه اولوبده

تکیه سی موجود و معمور اوله رق ایام مخصوصه سنده مقابله ایله مشغول .

اولان طرق علیه مشائیخ کرامی و جوامع و مساجد شریفه نک امامت و خطابت جهتلرینه متصرف بولنانلردن خدمتلرینی و کیل ایله اداره

ایتدیرمیوبده بالذات ایفا ایدنلر خدمت عسکریه دن مستندرلر .

یکرمی بشنچی ماده سن مکلفته دخوللرندن اول مکتب نوابده

اکال تحصیل ایله شهادتname آمش اولانلر خدمت عسکریه دن معافدرلر .

یکرمی الترجی ماده بالذات نفس نفیس حضرت پادشاهی خدمت

خرنمه ماضه ها ز تهی خصم  
عکسیم یاه مکلف - با پرستی

ای هایونه لاصمه مبوزی  
دو ده نه رده ده اولندز  
همه عدی احتیت نه ماد  
دھانه طیعه معاشرانه - با  
ای هایونه

قدیمه لاله تعلیم صنفه میره  
دو بخ مادره لاماره لاماره ایمه  
قالمه که اتسامه لدر فشم کامه  
تره ایه بو - فقط تیمه و تیمه  
که شده که هنچه ایه ده ماده  
تره ایه سله خده لون بیانه  
صلانه نه که کو - ۱۸۴۷  
علوم مهات صیاسته لدر طی علم

ملاده که ایه ایه ایه  
صربن طه شنیده لاماره  
طه ضمانته زده معافه تیکا  
تفاوت ایه نه خدا دو و نه لاطین

ضمنه تیکا لازم که ایه  
صبر سایه خدا مجامعته ایه

فاخر هسته بولنان بندکان خدمت عسکریه دن مستشارلر بونلردن غیری  
سرای هایون ملوکانه و دو اور و شعبات عالیه سنه ده مستخدم اولوب خزینه  
خاصه شاهانه جه اسماعلی مضبوط و مقید بولنان بالجمله موظف بندکان  
و خدامدن سن مکلفیه دخول ایه قرعه نومرسی کشیده ایتدکلری  
تاریخدن اعتباراً مدت نظمیه وردیه اولان تام اون درت سنه خدمت  
عسکریه مدت تججه خدمتده بولنش اولدقلری قیداً تین ایدنلره دخی  
ایفای خدمت تذکرہ لری ویریه جکدر و فقط اشو بندکان و خدام هرنه  
صورتله او لورایسه او لسوون خدمتلرندن افصوال و افقاک ایلدکلری حا لده  
خدمت عسکریه ایه مکلفدرلر و هنوز معاشه نائل اولیو بده ملازمت  
صورتیه خدمات متوجهه بولنان حقول نده بلا استتا افراد سائمه متلو  
معامله او نور .

## ماده ۵۶

یکرمی یدنیجی ماده موسیقه هایون و خدمه خاصه شاهانه افرادی  
بو خدمتلرده بولندقلری مدت خدمت عسکریه دن مستشارلر بونلرک  
استشاسی خدمت جلیله شاهانه ده بولندقلری مدت و زمانه منحصر

و مشروط اولوب خدمتدن افقاک و انصصال ایلدکلری حاله سناریه  
کوره خدمت عسکریه آنورلر .

یکرمی سکرنجی ماده بالعموم مکاتب عالیه و مکتب فنون طیه  
ملکیه ده و بیطر مکتب ملکیسنه و هندسه ملکیه مکتبنده تحصیله  
بولنان طشره لی طلبه سن مکلفیه دخولرنده یا کندولری و یاخود  
و کیلاری نومرو چکمه محبور اولوب بونلردن ترتیب اول نومرسی  
چکمش او نلر افراد ماذونه میانه قید او نور و اکمال تحصیل ایدرک باشها -  
ذتنامه مکتبندن چقدقد نصرکه خدمت دولته مستخدم اولدقیه و یاخود  
معارف عمومیه نظارت جلیله سنه تصدیق التنده مکاتب متوجه  
معلمکلرنده بولندقیه کندولری قسم ثانیده ابا قلنورلر .

یکرمی طقوزنجی ماده مکتب فنون طیه ملکیه ده اکمال تحصیل

ایدرک دوقتولق اجزا حلق جراحتل دیپلومه‌سی استحصال ایتش او لان  
طشرمه‌لی طیب و اجزا جی و جراحتل عنده ایجاد امور صحیه عسکری‌ده  
خدمت ایتمکه مجبور در لر ملکیه بیطری‌لری حقنده‌ده بو وجهه معامله  
او نور .

او تو زنجی ماده مستتا طویلان محلارده تولد ایدرک مکلفت  
عسکریه تحتده بولنان ولایات شاهانه‌دن برینه کمیش او لان رستق رأس‌لری  
او لان محلارک معافیت عسکری‌سی دوام ایتدیکی مدت‌جه خدمت عسکریه -  
دن استتا قلنور لر .

او تو زبرنجی ماده مکلفت عسکریه تحتده بولنان محلار اها .  
لیسنده اولوبده مستتا محلاردن برینه نقل ایله تأهل و توطن ایدنلرک  
نقل ایلدکلری یرلرده تولد ایدن چوچقلری خدمت عسکریه ایله مکلف  
او لیوب بالعکس مستتا محلاردن مکلفت عسکریه تحتده بولنان بر محله  
نقل ایله تأهل و توطن ایدنلرک اوراده تولد ایده جک او لادی خدمت  
عسکریه ایله مکلف بولنور .

او تو زایکنچی ماده دول اجنبیه تبعه‌سندن او لو بمالک شاهانه‌نک  
مکلفت عسکریه تحتده بر محله نقل ایله توطن و تأهل ایدنلرک تبعه  
ایرانیه‌دن ماعدانک او لادی تابعیت اجنبیه‌ده بولنده‌جه خدمت عسکریه -  
دن مستتادر .

او تو ز او چنچی ماده کیجه‌لی کوندزی مدرسه نشین او لان  
طلبه علوم سن مکلفتیه دخول‌لرنده یا بالذات و یا غایا بترنده اصولی دائره -  
سندیه کاله نومرو کشیده ایده جکلر ایسده او سنه‌یه مخصوص او لان  
و یلخی فصلده بیان او لان درسلردن بالامتحان اثبات اهلیت علمیه  
ایلدکلری حالده اول سنه‌نک افراد مأذون‌سندن معدود او له جقلری کی  
ایکنچی وا چنچی و دردنجی و بشنجی سنه‌لرده دخی او سنه‌لره مخصوص  
او لان و کذلک فصل مذکوره‌ده مندرج بولنان علوم و قو ندن بالامتحان

شما متویله‌ه صلب ۱۵۰۰  
مکلفتیه علیه نایع محله‌گر  
این ایلکلرک برای افلاس سه  
ایله بیرونیه  
رسانیده نظره و تاکل عذر  
در حادثه متوله و عذری عزیز  
مکلفت ایله ایلکلر

بعده دلته علیلم بهمه ایله  
از روایی مفروضه همه‌نیه مجموعه  
خانه‌نیه ایلکلرک همه‌ه ایلکلر  
ایله دلته مکلفت علیه زیر  
و عده‌ه ایله ایلکلرک  
خون مجموعه شاهزاده نوزده ایله زیر  
ایله ایله ایلکلرک ایله ایلکلر  
او لیوه ریواز دلجه‌ه صلب او لان  
او لان دلجه‌ه دلجه‌ه صلب او لان

او لان دلجه‌ه دلجه‌ه صلب او لان  
برای ایلکلرک ایلکلرک  
طونیو مطریه ایلکلرک ایلکلرک  
عدمه ایلکلرک ایلکلرک ایلکلرک  
مکلفت علیلم تاکل عذر دلجه  
برنهه شامه ایلکلرک ایلکلرک  
ایله تزدیع ایله عکام قادیانیه  
متوله و کنونه همه‌ه عکام دلجه  
او لان دلجه‌ه دلجه‌ه صلب او لان

طلبه علوم صدیس ادیله محله‌ام  
حصه ایلکلرک ایلکلرک  
دیبا جانه ایلکلرک ایلکلرک  
سبا هم کیفیه ماده مفتله تکل علوم

اقدار ویلاقتری نمایان اولدینی تقدیرده هر سنه افراد مأذونهند عد  
ایدیلورک التجی سنه نهایتند صوک امتحانی ویردکلری حالده سلک ردیفه  
نقل ایدیلورلر .

اوتوز دردنجی ماده طلبه علومدن غیاباً ووکاله<sup>نومرسولی</sup> کشیده  
اولنلر مشروط اولان امتحانلرینی اول تاریخندن اعتباراً نهایت طقوز  
آی مرورینه قدر محال معینه سنده اجرا ایتدیرمکه محبوردلر مدت  
محدوده مذکوره دن صکره طالب امتحان اولملری مسموع اولنر و برد  
سن مکلفیته دخوللرندن صکره مدرسیه کیرمش اولنلری طلبه صرسنده  
وطولمنز .

اوتوز بشنجی ماده طلبه علوم مدت محدوده مبحوثه ایچنده  
لاجل الامتحان مرجعلرینه مراجعت ایدوبده اندن صکره حقلرنده  
بعض تدقیقات و تحقیقات اجراسنه وبعض یزلردن استعلام حوالرینه لزوم  
کورسندن طولای ارهدن وقت کچرایسه بومدت متباوازه امتحانه  
مانع اولنر هرحالده مراجعت ایدکلری تاریخ معتبردر .

اوتوز التجی ماده طلبه علومک التي سنه امتحانه دعوت وقبول  
اولملری کندولرینک مطاقاً مدرسه نشین بولنلریله مشروطدر مدرسه -  
یی ترک ایتمش اولنلر امتحانه قبول اوئلیوب خدمت فعلیه عسکریه  
النورلر و بونلرک مع احتیاط مدت نظامیه لری سلک عساکر نظامیه  
شاهانیه النقلری تاریخندن معتبر اولور .

اوتوزیدنچی ماده طلبه علومک صوک یعنی التجی سنه امتحانلرینی  
ویروب عساکر ردیفه شاهانه سلکنے نقل ایدیلرینک منسوب اولدقلری  
ردیف طابورلری سلاح الته النقاده ایچلرندن مدرسه نشین بولنلری  
سلاح الته المقدن استتا اولنورلر . (اولنر - - بقیه الغیر)

اوتوز سکرنجی ماده عسکرلکه یرامیه حق صورتده سقط و معلوم  
اولنلر خدمت عسکریه دن استتا اولنور بونلردن ایکی کوزی اعمی و قولسرز

وچولاق وايقلنندن بری معدهوم ویا معدهوم حکمنده طوپال و دلسز  
اولنلر و مرور زمان ایله مندفع وزائل اوله میه حق علل ساریه ظاهره یه  
مبلا بولنانلر یالکز سن مکافیته داخل اولدقلری سنه اخذ عسکر مجلسنه  
جلب ایله بعد المعاینه تعداد اولنان معلویت ظاهره لری بحق اکلاشدقدن  
صکره صورت معافیتاری موجود دفترنده اولان اسماری حذاسنه  
یازیلوب جبلرنندن صرف نظره یدلرینه اخراج تذکره لری ویریلور .

او تووز طقوزنجی ماده داخلاً معلویتاری سبیله شایان معافیت  
اولوب اولدقلاری بالبداهه تشخیص و تعیین اولنه میان امراض داخلیه  
اصحابیله ضعیف البیه اولنلر تفریق اولنیوب نومرو کشیده ایتدیر یله رک  
ترتیب اول نومرسی اصابت ایتدیکی حالد اخذ عسکر قلمیرینک  
بولندیغی لوا مرکز لرینه کوندریلوب بیان ایده جگلری معدرت اوزرینه  
اطبای عسکریه دن لاقل ایکی طبیب معرفتیه معاینه ایتدیر یله رک علیل  
و مرسیض اولدقلری بارا پورط تصدیق و بیان اولندیغی تقدیرده افراد  
مائونه میانه نقل ایله سنه آتیه یه ترک اولنورلر اشبو ضعفاً و معلولین  
عسکریه هر سنه تشکل ایده جگ اخذ عسکر مجلسنه جلب ایله لاجل .

المعاینه لوا مرکز لرینه اعزام اولنورلر اوراجه بالمعاینه معلویتاری باقی  
اولدیغی تین ایتدیکه کندولری سنه آتیه یه ترک ایله افراد مائونه میانه  
ویریلور و معلویتاری زائل اولدیغی اکلاشیلور ایسه خدمت عسکریه یه  
آلنورلر و مبدأ خدمت عسکریه لری سلک عسکری یه داخل اولدقلری  
تاریخندن اعتبار اولنور و بولنلر معلویتاری التجی سنه نک نهایته قدر  
دوام ایدرایسه کندولری عساکر ردیفه شاهانه سلکنکه نقل ایدیلورلر .

قرقیجی ماده یتش یاشنی تجاوز ایدن ویا خود سنی یتمشدن دون  
اولدیغی حالد ایشه کوچه یرامیه حق صورتده علیل و ناتوان اولان  
برآدمک سن مکافیته براوغی اولوبده اندن بشقه خانه سنده عقلی والری  
وايقلناری ایشه کوچه وجفت و چیوغه یرایه حق مرتبه درست و کوزلرینک

صرولاً بضریه مقصود رک خفت  
عکسیه و کرکه هنر بر خفت  
صفیه مانع اراده شلت  
لایه لرایه

ناتنه را قدر خفت  
ماهوله اداره صفیه کانه  
اغشیه صه مهدا دلاره بخت  
لوهه بیمه یا سلطنه بیه ویغد  
اخده ایدیلور لایه  
براعزد زه اطهاری عذر و دلوره  
مله طیبی بولتریه ارد و خفت به  
گلبه موافزه زمزمه اطا  
توخ بیه باه لایه  
بوز بروانه ایه ایزارد عله  
قد اوله فیه صیده دیه میلر دلور  
تهدیه بیمه سلطنه بیه و مهوره تیج  
دنه مهه تر قصه سنه که ده  
در دره ده ایه را زه مهلا  
و ایه تر ایه ایه

بیه ایکوه اطهار نسیه در میمه  
نهان رایه زر اضهعه تهندزه  
بصله نهانه دهه و دهه و دهه  
دنه نهانه دهه تهندزه اوله  
معاینه اولنور . ایه

بیهه معهه و کهاده ترک و زیو  
ایه باشانه نهانه با خدیه  
او میله ادعه دایه دهه دهه  
ظنهه رفته ایه دهه دهه  
شانویه اوره اوره علهه  
الغ . ایه

بعده و بزم مکاره کیوتده سندی ایه ایه بیه و زیو  
قطع بخوبیه معهاده بخیره بالعده معلمه لوریه و زیو . یکم معهده نزد  
نمرد که نه صد مگل خرم ماکل دن بطریه نیه سینه نهاده تهندزه ایه

اسناد سیاست مصطفی طوفانی که بعد از آن  
شیوه و شرایط پذیرش خواهی داشت  
شروع شد تا مساله را با این شرایط  
پذیرش داشته باشد اما همان مصطفی  
ایده جگ ایجاد نمود  
تصویر سه اضطرابی برای این فرم ایجاد  
نمود که درینجا اتفاق نمایم از این  
که برای خوده دو ساخته خدمتیه ای  
ایجاد شود و بروز اتفاق جزئیه ای طرد  
با این اضطراب دخالت برای این  
وضعیت ایجاد شود و این از این ایجاد شود

و اینه روز مطهفه اند یعنی روز اعتماد  
شیوه کمال ایجاد این اتفاق ایجاد - نفع  
بوشه صیهود سه اول مطهفه روزه ایجه  
و عذری عذر دهنده نتواند مطهفه عذری  
نفعه ای پیدا رزق همی زانه فائیه  
اوایدیه - آنها  
بر مادر مکوتیه من امد  
نه سه صیهود و لغت اوصیه آمد  
بر خانه ای اوله زده زده مسفلقه بی  
عده نفعه المیز ایلی ایلی  
ادمه آمد عذر دنیه ایلی ایلی  
ایم زده کوه نایه - آنها  
اوایدیه زده میه ایلی ایلی

بری سالم و سنی اون ایشی متتجاوز خانه سنده دیکر بر او غلی یاخود قرنداش  
و داماد و طورون و یکن مثلاو امورینه باقه حق بر معنی و یاخود کندی  
خانه سنده اولز سهده قریه سی داخلنده دیکر بر خانه ده کندو سنه معاونت  
ایده جگ واشی تسویه ایله جگ بر او غلی بولندی بی خالد سن مکلفیتده  
بولنان او بی افراد ماذونه میانه ادخال اولنور . بولندی که اول المعرفه  
قرق برنجی ماده بر ادمک و یاخود طول بر خاتونک سن مکلفیتده  
بر او غلی اولدینی و بر او غلی دخی سلک عسکریده موجود و مستخدم  
بولندی بی و بایکی سندن بشقه اون بش یاشنی تجاوز ایتش دیکر او غلی  
اولدینی صورتده اول ادمک یاخود اول خاتونک سلک عسکریده اولان  
او غلی چیقوب خانه سنه عودت ایدنجه یه قدر سن مکلفیتده بولنان او غلی  
سن آتیه یه ترک ایله افراد ماذونه میانه نقل ایدیلور .

قرق ایکنجه ماده بر طول خاتونک و یاخود بر ادمک سن مکلفیتده  
بر او غلی اولوبده اندن بشقه خانه سنده عقلی واللری واياقلری ایشه کوجه  
یرایه حق قدر درست و کوزلرینک بری سالم و سنی اون بش ایله یتش  
از سنده بر او غلی و یاخود پدر و قرنداش داماد و طورون مثلاو امورینی  
رؤیت ایده جگ معنی اولدینی و یاخود کندی خانه سنده اولز سهده بینه  
اول قریه دروننده کائن بر خانه ده کندو سنه باقه حق بر او غلی بولندی بی  
علمآ نابت اولور ایسه اول خاتونک ویلادمک سن مکلفیتده بولنان او غلی  
سن آتیه یه ترک ایله افراد ماذونه میانه نقل ایدیلور .

قرق اوچنجه ماده بر ادمک یاخود بر طول خاتونک سن مکلفیتده  
بر او غلی اوله رق اندن بشقه اون بش یاشنی تجاوز ایتش دیکر او غلی  
اولدینی و مقدمه سلک عسکریده برذن زیاده او غلی وفات ایلمش بولند -  
یعنی صورتده اول ادمک یاخود اول خاتونک او غلندن بشقه کندولرینه  
معین اوله حق اقربا و متعلقاتی اولسه بیله سن مکلفیتده بولنان او غلی  
سن آتیه یه ترک ایله افراد ماذونه میانه نقل ایدیلور .

۷۰. ده روزه مکالمه برآمد  
آنچه همان نسبت به میر خان  
معنی داشت این بود که میر خان  
با این مکالمه میتوانست  
مکالمه ای را که میخواست  
از میر خان دریافت کند  
درست باشد.

فرق در دنخی ماده مستقل برخانه نک صاحب و مدیری اول بوده  
سن مکلفیتده بولنان بر دلیقانلو نک کندی یاننده یاخود ینه اول قریه  
درونده دیگر برخانه ده خانه سی اموری خی سپارش ایده جک بر پدری  
اخود قائن پدری و یاخود یکرمی بش یاشنی متتجاوز قایی بولنزا یسه  
ول دلیقانلو افراد مأذونه میانه ویریلور واکر بود دلیقانلو نک یاننده  
مر اتفاق و اداره لری شرعاً کندو سنه منحصر بعض صیان و ایتمام  
ولنورا یسه اول حالده بشقه خانده پدر و قائن پدر و قایی او لسه دنخی  
منه افراد مأذونه میانه نقل ایدیلور ذکر اولنان صیان و ایتمام بود دلیقانلو نک  
ستوفاه حرمندن و یاخود مطلقه سندن متولدایی سه شمديکی حرمنه معین  
وله حق اول دلیقانلو نک کندی پدر و قائن پدر و بر قاج نفر قاینلری دنخی  
ولسه یتیملر اوکی والده النده قلاماق ایچون کندو سی ینه افراد مأذونه  
یانه نقل اولنور مستقل برخانه نک صاحب و مدیری بولنان دلیقانلو  
ر و یا ایکی چو جنی اولان بر خاتونی تزوج ایتمش او لسه حرمنی بولنان  
من بوره یه اول دلیقانلو نک پدری معین اتخاذ اوله رق کندو سنه سائز  
معینی افراد کی معامله اولنور مستقل برخانه نک صاحب و مدیری  
بولنان بر دلیقانلو نک یاننده حال صباوتده یتیم اوله رق بر و ایکی قرنداشی  
ولنورا یسه اول دلیقانلو افراد مأذونه میانه نقل اولنور واکر مذکور  
دلیقانلو نک یاننده بر و ایکی همشیره سی بولنور و بونلر هنوز اره و ارها مش  
یسه و بود دلیقانلو دون بشقه معینلری یوق ایسه مذکور دلیقانلو کذلک سنه  
آتهه ترک اله افراد مأذونه میانه نقل اولنور .

قرق بشنجي ماده يكرمي ياشنده بولنان برديقانلونك مسن ياخود معالول جدي وياجدهسي اولوبده بونلوك اتفاق واداره لرينه ايشرلينه باقه حق بوديقانلوندن بشقه خانه لرنده وياخود منسوب ولدقلىري قضا دروننده ديكر برخانه ده مذكور جد وياجدهنك اوغلاري ياخود برادر وداماد و يكن مثلو اقربا و متعلقاتلىرى اولمدى ينى حالده اول

بِدِكَفَانَه يَرْجُو مِنْهُ مَعْيَادَ طَوَّارِي  
يُوكِرْ بِأَسْنَاهِه حَافِظًا لِمَذَلَّتْ رَاقِصَيْ مَزَّارِه صَاحِبَةِ إِلَاضَنْ مَعْيَادَ دَخْرَه لَامِرَةِ الْمَهْرَيْ  
فَرَدَدَ وَقَدَّرَتْ بُونَدَه بِرَنَادِيفَ دَكَّانَه كَرْمَه دَعْيَاه دَفَعَه دَفَعَه دَفَعَه دَفَعَه دَفَعَه دَفَعَه  
مَعْيَادَه لِصَحَا بِأَهْلَاتْ زَلَّ أَيْلَغَه لَامِرَه سَاهِنَه قَطْطَه إِلَاضَنْ دَائِمَه دَائِمَه دَائِمَه دَائِمَه دَائِمَه

دیقاچلو سنه آتیه یه ترک ایله افراد ماذونه میانه ادخل اولنور

قرق التجی ماده برادمک سن مکلفیته داخل اولش ایکی اوغلی لا

اولوبده ایکیسنه بردن بر سنه ده ترتیب اول نومرسی اصابات ایتدیکی

حالده پدری قغیسنک الفنسی ایستارایسه اول اوغلی النرق دیکری

پدری معینل ایسه ترتیب ثانی و معینسر ایسه سنه آتیه یه ترک ایله افراد

ماذونه میانه نقل ایدیلور واکر ایکی اوغلندن يالکز بری ترتیب اول

نومرسی کشیده ایدرایسه بیاسی ترتیب اول نومرسی صاحبی اولان

اوغانی سـلـک عـسـکـرـیـه ویرـمـک اـیـسـتـمـیـوـبـدـه تـرـتـیـبـ ثـانـیـ نـوـمـرـسـیـ

اصـابـاتـ اـیـدـنـ اوـغـانـیـ وـیرـمـکـ اـیـسـتـدـیـکـیـ وـاـوـلـ اوـغـلـیـ دـخـنـیـ موـافـقـتـ

ایـلـدـیـکـیـ حـالـدـهـ تـرـتـیـبـ اـوـلـ نـوـمـرـسـیـ صـاحـبـیـ اـوـلـانـ اوـغـلـیـ تـرـتـیـبـ ثـانـیـ یـهـ

کـپـورـیـلـوـبـ تـرـتـیـبـ ثـانـیـ نـوـمـرـسـیـ صـاحـبـیـ اـوـلـانـ اوـغـلـیـ سـلـکـ عـسـکـرـیـ یـهـ

الـنـورـ یـعـنـیـ نـوـمـرـلـرـیـ بـجـایـشـ اـیـدـیـلـورـ وـکـیـفـیـتـ هـرـاـیـکـیـسـنـکـ مـوـجـوـدـ

دـفـقـنـدـکـیـ اـسـمـلـرـیـ حـذـاسـنـهـ بـوـصـوـرـتـلـهـ شـرـحـ وـیـرـلـکـلـهـ بـرـاـبـرـ دـفـرـ مـذـکـورـ

زـیرـیـهـ یـازـیـلـهـ حـقـ مـضـبـطـیـهـ دـخـنـیـ درـجـ قـلـنـورـ .

قرق یدنچی ماده برادمک کندی یاننده ویاخدود ساکن اولدینی

قصبه و قریده دیکر خانه لرده ایکیدن زیاده اوغلی اولوبده جمله سی بردن

بر سنه ده سن مکلفیت اولان یکرمی یاشننه داخل اولدینی حالده يالکز

برینه ترتیب اول نومرسی اصابات ایدرایسه اول اوغلی واکیسنه

اصـابـاتـ اـیـدـرـایـسـهـ اـیـکـیـ اوـغـلـیـ دـخـنـیـ تـرـتـیـبـ اـوـلـ اـفـرـادـیـلـهـ بـرـاـبـرـ اـخـذـ

وـجـلـ بـاـلـنـورـ وـفـقـطـ اـیـکـیدـنـ زـیـادـهـ سـنـهـ اـصـابـاتـ اـیـدـرـایـسـهـ يـالـکـزـ اـیـکـیـسـیـ

الـنـوبـ اوـتـهـ کـیـلـ اـفـرـادـ مـاذـونـهـ مـیـانـهـ نـقـلـ اـیدـیـلـورـ وـاـشـبـوـ اـیـکـیدـنـ زـیـادـهـ

اـوـلـادـدـنـ يـالـکـزـ اـیـکـیـسـیـ سنـ مـکـلـفـیـتـهـ بـوـلـنـوـبـدـهـ دـیـکـلـرـیـ سنـ عـسـکـرـیـدـهـ

اـولـیـهـ رـقـ یـتـشـدـنـ اـشـاغـیـ وـاـوـنـ بـشـدـنـ یـوـقارـیـ سـنـلـرـدـهـ اـولـدـینـیـ وـبـوـنـلـدـنـ

يـالـکـزـ بـرـیـسـیـ اوـلـسـوـنـ عـقـلـاـ وـجـسـمـاـ اـیـشـهـ وـکـوـجـهـ یـرـاـیـهـ حـقـ صـورـتـهـ

صـاعـلـامـ بـوـلـنـدـینـیـ وـسـنـ مـکـلـفـیـتـهـ بـوـلـانـلـرـهـ تـرـتـیـبـ اـوـلـ نـوـمـرـسـیـ اـصـابـاتـ

اـمـرـ بـارـ اـلـدـدـیـ سـرـ اـذـرـ اـهـمـهـ بـرـیـ

ایتدیکی حالده ایکسیده اخذ اولنور و آکر بویله درت و بش اولاددن  
بریسی سلاک عسکر یده بولنور و دیکرلرندن بریسی ویاخدود ایکسی  
دنه سن مکلفیته واصل اولوبده ایکسی بردن ترتیب اول نومرسی  
چکرلرایسه بوایکیدن بری ترتیب اولده براغیلوب دیکری ترتیب ثانی یه  
نقل ایدیلور و بونقل معاملهسی پدرلرینک احتیاری ایله اجرا اولنور  
و بواجرا آت دنه هر ایکیسنک موجود دفترنده اسماری حذالرینه  
شرح ویرلکله برابر کیفیت بودفتر زیرینه یازیله حق مضبطه یده درج  
قلنور .

فرق سکرنجی ماده معینلری مشترک تصادف ایدن ایکی خانه ده  
سن مکلفیته بولنان ایکی ادمک ایکیسنکه بردن ترتیب اول نومرسی  
ویاخدود برینه ترتیب اول دیکرینه ترتیب ثانی نومرسی اصابت ایده .  
ایسه یالکر نومرسی مقدم اولان التوب نومرسی مؤخر اولان ایکی  
خانه یه معین اولمی ایچون افراد ماؤنونه میانه ادخال اولنور .

فرق طقوزنجی ماده برآدمک ویا برخاتونک ایکی اوغلندن بری  
طلبهدن اولوبده ترتیب ثانی نومرسنی حامل بولنور وبالامتحان اثبات  
اهلیت ایده و طلهدن اولیان دیکر اوغلهیده ترتیب اول نومرسی  
حامل بولنورایسه اول آدمک ویا خاتونک بونلرک نومرسولرینی مبادله  
ایتدیرمک ایچون و قوعبله حق استدعاسی شایان اسعاف اوله من  
عکسی تقدیرده یعنی طلهدن اولان اوغلی امتحانده اثبات اقتدار ایده .  
مدیکی صورتده فرق برنجی مادده کوستردیکی وجهله نومرسولرینک  
بجاش ایتدیرلسی مجازدر .

النجی ماده خانه واقمتکاھلری داخل ولایات شاهانه ده اولوبده  
مالک اجنیمه ده متأهل بولنانلر خدمت عسکریه ایله مکلفدرلر .

الی برنجی ماده دولتجه مرعی اولان اصول و قاعده یه توفیقاً  
تبديل تابعیت ایتیوب بر تقویت ایله پساپورط استحصال ایتش اولنلرک

موقتاً اینه مسند نه بوننمه اربابا ننلاس و ندی محاری تسبیه - خانه لرگم  
تفقیه ایله -

تابعیتینه خالی کلیه جگی جهنه بومثلاولر حقلرنده اخذ عسکر معامله‌سی  
جاریدر یعنی تبدیل تابعیتی اصول و نظامی دائرة‌سنده اراده سینه جناب  
پادشاهیه مستند او ملدیفی حالده تابعیت اجنبیه و خصوصیله ایران تابعیتی  
ادعا‌سنده بولنانلر استشنا ایدلیه‌رک سلک عسکریه نور .

الای ایکنچی ماده سن مکلفیته داخل اولنله پدرلری محلوندن  
بشقه محلوندن و قصریددن امامت و خطابت توجیهی جائز اولمز پدرلری  
محلوندن بالذات ایفای خدمت ایدنلر خدمت عسکریددن معاف ایسه‌ده  
خدمتلرینی یعنی امامت و خطابتی وکله ادا ایدنلر خدمت فعلیه عسکریه  
ایله مکلفدر .

الای اوچنچی ماده خدمت عسکریددن مستشنا اولدقلری یکرمی  
دردنچی مدادده بیان اولنانلردن طرق علیه مشايخی ایله جوامع و مسا -  
جد شریفه‌نک امامت و خطابت جهتلرینه متصرف بولنانلرک و یکرمی  
الستجی و یکرمی یدنچی و یکرمی سکزنجی ماده‌لرده محرر مستشلارک  
هرسنه اخذ عسکر مجلسیجه احوالی تحقیق ایله ایچلنردن اسباب استشنا -  
ئیله‌ری محو وزائل اولنلر سنلرینه کوره خدمت عسکریه نورلر .

الای دردنچی ماده پدرلری محلوندن امامت و خطابت جهنه  
متصرف اولمک او زره محللری حکومتندن مضطه‌سی تنظیم اولسان  
 وبالذات ادای خدمت ایمکده بولنان دلیقانلولرک یکرمی یاشلرینه  
دخوللرند ذکر اولنان امامت و خطابت براتلری هنوز یدلرینه واصل  
او ملامش ایسه بونار او سنه موقة افراد ماذونه میانه قید ایدلیور ایرتسی  
سنه دخی براتی کلیوبده عهدسنه جهت توحیه او لینه جق اولور ایسه  
او سنه‌نک سن مکلفیته داخل اولان افرادی میاننده نومرولری کشیده  
ایتدیریلارک چکه جکلری نومرولره کوره حقلرنده معامله اولنور .

الای بشنچی ماده مکلفیت عسکریه داخلنده بولندقلری حالده  
عهدلرندک امامت و خطابت جهتلرینی صاننانلر سنلری اقضاسنجه

و بنده بردی نزله خدمت ایدمه  
دیمه من بو طابت نکرده

بیه نه نه اند که در جنگ کوچه نمیباشد بلایا نزدیک  
خدمت مقدمة این ایام ساده است  
نه فرقه جنگ این نه این فرقه خدمت مقدمه این ایام

فوق فرقه جنگ این نه این فرقه خدمت مقدمه این ایام

۲۰

عساکر نظامیه وردیه و مستحفظه شاهانه سلکارندن قنیاریه قید  
ایدللری لازم کلواریس اول سلکه قید اولنورلر .

الی التجی ماده مهندیلر مکلفیت عسکریه دن معاف اولوب  
فقط بونارک اولاد واحفادی سائر اهالی اسلامیه کی خدمت عسکریه .  
ایله مکلف بولنورلر .

الی یدنچی ماده بش سنه دن دون اولماق اوزره پرانه بندلک  
جزاسی کورمش ارباب جنایت قانوناً خدمات دولتك هیچ برند  
استخدام اولنیه جقلری جهله بومثاللور خدمت مقدسه عسکریه شرفه  
نائیلندن وبوسیله سلاح طاشیمقدن دخی محروم اولورلر .

الی سکرنجی ماده اشوفصلده مکلفیت وخدمت عسکریه دن  
استتا اولنیه جقلری بیان اولنانلردن غیری قصور طشره اهالیسندن اوله رق  
سن مکلفیته بولسان بیوک وکوچک کافه مأمورین ملکیه وکتبه اقام  
بلاستتا ایفای خدمت مقدسه عسکریه ایله مکلفدر .

الی طقوزنجی ماده اشو فصلده طلبه علومدن غیری مجدد  
معینسز لکلرندن طولای سنه آتیه به ترک ایله افراد ماذونه میانه  
ویریله جكلری بیان اولانلرک اوسته تعیب ایدن سنه ده شکل  
ایده جک اخذ عسکر مجلسنده تحقيقياتی اجرا ایله معینسز لکلری باق  
اولدینی تین ایدرایسه کندولری ینه سنه آتیه به ترک ایله افراد ماذونه  
میانه ویریلور و معین پیدا ایتش اولدقلری اکلاشیلور ایسه مبدأ خدمت  
عسکریلری سن مکلفیته داخل اولدقلری سنه ده ترتیب اول افرادینک  
ابتدا خدمت عسکریلرندن اعتبار اولنوب مذکور ترتیب اول  
افرادینک مدت متابیله لری قدر ایفای خدمت عسکریه ایتمک اوزره  
سلک عسکری یه آلنورلر و شاید اشوف افراد ماذونه ده اسپاب ماذو .

نیتلری مذکور ترتیب اول افرادینک سلک احتیاطه نفلانندن صکریه .

قدر امداد ایدرایسه بونارده مذکور ترتیب اول افرادی مثلا سلک

ایله ازمه و خانه رف مکلفه  
ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

ایله ازمه و خانه رف مکلفه

۷۰ معاشر اینجا بود که نویسندگان در طبقه دسته سازندهای معاشر اینجا بود که خاله با خواهر و هم‌خواهر اینجا بود که  
ست صاحب معاشر اینجا بود که خاله نبیریکه معاشر اینجا بود که همانند معاشر اینجا بود که همانند معاشر اینجا بود که

دیا پیلریه سازندهای معاشر اینجا بود که  
مقدار کلید ۱۲۰۰ تومانی بود

۷۱ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۷۲ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۷۳ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۷۴ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۷۵ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۷۶ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۷۷ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۷۸ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۷۹ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۸۰ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۸۱ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۸۲ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۸۳ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۸۴ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۸۵ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۸۶ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۸۷ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۸۸ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۸۹ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۹۰ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۹۱ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۹۲ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۹۳ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۹۴ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۹۵ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۹۶ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۹۷ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۹۸ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۹۹ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۰۰ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۰۱ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۰۲ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۰۳ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۰۴ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۰۵ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۰۶ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۰۷ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۰۸ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۰۹ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۱۰ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۱۱ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۱۲ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۱۳ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۱۴ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۱۵ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۱۶ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۱۷ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۱۸ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۱۹ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۲۰ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۲۱ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۲۲ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۲۳ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۲۴ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۲۵ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۲۶ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۲۷ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۲۸ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۲۹ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۳۰ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۳۱ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۳۲ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۳۳ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۳۴ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۳۵ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۳۶ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۳۷ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۳۸ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۳۹ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

۱۴۰ سنه هشتم قسم اول نویسندگان

## فصل رابع

( فراریلر و حیله آیله خدمت مقدسه عسکريه دن قور تلمق افكار نده )

( بولنانلر حقلنرند اجرا اونله حق معامله يي متضمندر )

التشنجي ماده سن مکافيه داخل اوlobe ده اخذ عسکر مجلس شه

دعوت اويانلاردن منسوب اولدقلری قضا دروننده ويأخذ جوارنده

بر محلده بولندقلری حالده صاقلاهه رق ويأخذ ديكير برره صاوشه رق

كيلانلر اوورايشه شاييان استشا عذرلری وار قدشلر ينك نفرتني موجب

وهمه لر اول ناهق شرطيه بر كونه علتلىري اويسه بهه اعتبار والتفات

اول ناهق اكال مدت ايدنخيه قدر حاللر ينه مناسب خدمات عسکريه ده

استخدام اوتفه او زجه زجرآ خدمت نظاميه عسکريه يه آنورلر يعني

بومتللو نومرو چكمه كليان افراد ايرتسى سنه نومرو كشيدسى ائناهه

نومرو لر ينه اصابت ايده جك هرنوع حقوق استشايده دن محروم قالوب

سائر نومرو لر اصحابيند اول اسلامى خدمت عسکريه يه قيد ايديلور

وبونلر اچون ويريله جك نومرو لر زجرى نومرو دينور فقط بونلر دن

اگر و خيفه هيچ بر خدمتده استخدامي قابل اوله ميه حق در جده عليل

و محتاج اعنه وتداوى ايله بره وعافيي ناقيل و توقيلری تلف نفسى ائا

مستلزم اولنار تلفدن و قايهً صاليوييريلورلر .

التمش برجي ماده زجرى نومرو اصحابينك مدت عسکريه اولان  
يكرمى سنه اچون سئلىرى نظر اعتباره المنيوب مدت عسکريه لر ينك اولى  
مدئى كندولر ينك ائبات وجود ايدلدارى ويادردست ايدلدارى

تارىخدىن معتبر اوولور .

بوطرن دغونىيمىي احاجى ئىتكىرى ياتى

ادلىسىرى ديا اخزم بونغىبه يانان

كەممبار ۶۹ دن د ۷۸ داده



ز جراً استخدام اولنه جقلري مدتک درت آيلني مخبره ويريلور .

التش بشنجي ماده سن مكفيته داخل اolan بر دليقانلى تدكره عثمانى سنى ديكرينه ويروب وكندو اسمى دخى انك اسمى اوله رق سو يلمك كبي بردسيسه ترتيب ايروب اكا نومرو چكديرر ويأخذونه كندوسنه ترتيب اول نومرسى اصابت ايدى كدن صكره كذلك ديكرينه ويروب انى كوندرر ويا نومرو كشيده سندن اول اثنای معانيه ده كندوسنى خدمت عسکريه دن قورتارمك ايجون كذلك ساخته اوله رق اسمى ويروب يرينه معلول بر آدمى ارائه ايده ايشه اول دليقانلو زجري نومرسى اصحابى ميانه ادخال قلنور و طلبه دن اولوبده امتحانه كيرمهه جرأت ايده ميهرك يرينه ديكرينى كوندرلار حقده دخى بويولدە معامله اولنور و شو حر كاتده كندولرينه بيله رك شريك ويا معين اولش بولنا تاره عسکرى جزا قانوننامه هاييونشك يوز اون يدنجي ماده مى موجبنجه مجازات اولنور .

التش التنجي ماده بردليقانلو سن مكفيته دخولى دن ويأخذون نومرو كشيده سندن اول مجرد عسکردن قورتلمق مقصدیله تأهله ايروبده معينسىز حالي آهرق نومرو چكلد كدن صكره بلا عذر شرعى زوجه سنى تعليق ايده ايشه اول دليقانلو ز جراً خدمت نظاميه عسکريه آلنور بومثلاو تأهله ايدينلارك كيفيت تأهله رينك حيله و ديسىسه مقصدىنه مبتنى اولوب او لمدى غنه دائئر تحقيقات و تدقیقات اجراسى ردیف ضابطانك وظائف اصيللرى جمله سندندر .

التش يدنجي ماده عسکردن قورتلمق غرضیله يدى سكر يائشنه قزچو جقلرينى و كندوسندن تناسل مامول اوليان مسنه خاتونلر عقد و تنكحه ايدينلارك شومعامله لرندن طولاي حاصل اولان معينسىزك حال نظر اعتباره النیوب حقلرنده معينلو افراد عسکريه پادشاهى مثللو معامله اولنور .

عاصمه امپریالیستی هندوستان  
عاصمه تایپخانه دادگاه (۱۹)

التش سکرنجی ماده افراد مزجوره دن او لو بده اتیام قبول  
ایمز علل مزمنه و ساریه یه مبتلا اولدقلری اطبای عسکر یه معرفتیله  
بالمعاینه تین ایدنلرک زجرآ استخداملرندن صرف نظر له کندولرینه  
اخراج تذکرہ لری ویریلور وبومثملولرک تداویلری حقنده دولتجه  
تدابیر لازمه بالاجرا تناسللری منع اولنور .

### فصل خامس

(معاینه و نومرو کشیده سی معاملاتنک صورت اجرائیه سنی متضمندر )  
التش طقوزنجی ماده فصل اولده بیان اولنان دوائرسته داخلنده  
واقع ولایات شاهانه ده هرسنه یکرمی سننه واصل اوله حق دلیقانلرک  
قض او قریه و محمله لریله خانه نومر ولرنی و لقبلرنی و پدرلری اسماری  
حاوی اولمک او زره کنیه دفترلری داخلیه نظارتی معرفتیله ولایات  
شاهانه دن جلب ایله روز قاسمدن اوچ آی اول مقام سر عسکری یه  
کوندریلور دائرة عسکر یه جه بود فترلر بالتدقيق هر برادردوی هایون  
دائرة سنده او سنده یکرمی یاشنه کیرو بده ایرتسی سننه مارتنده مکلفیت  
عسکر یه داخل اوله حق نه مقدار افراد موجود ایسه انلرک ایضاحت  
مبسوئی حاوی آیرو آیرو کنیه دفترلری بالتنظيم برماه ظرفنده مقام  
سر عسکریدن یازیله حق محرراته لفآ اردوی هایونلر مرکز لرینه ارسال  
واسرا اولنور .

مذکور دفترلر اوزرینه هر برادردوی هایون ارکان حرب دائرة سنجه  
اول اردو دائرة سی داخلنده بولنان طابورلر دوائرنده موجود افراد  
بالاده بیان اولندیغی وجهمه مکمل کنیه لری صورت مخصوصه ده ترتیب  
ایدلش اولان جدولی دفترلر نقل و ترقیم اولنهرق هر بر طابور دائرة سی  
ایچون بشقه احضار ایدیله جك موجود دفتری مقام مشیریدن  
با محررات ردیف لو الینه ارسال اولنور ردیف لو الاری دخی دائرة لری

داخلنده بولنان دفترلرینی بالتفريق هر برینی عائد اولدیغی ردیف طابوری  
 بیکاشیسنه سرعت مکنه ایله تسيار ایدرلر اشبو دفترلرک روز قاسمدن  
 اوں بش کون اوں بهمه حال ردیف بیکاشیلرینه ایصالی ماده سی  
 هر طرفه نظردقت و اعتاده طوتمق لازم ولا بددر ذکراولنان موجود  
 دفترلرینک ردیف بیکاشیلرینه وصولانی متعاقب هر برردیف بیکاشیسی  
 طابوری دائره سی تشکیل ایدن محللره لاجل معاینه کله جکنی و هر کسک  
 قریه سنده بولنوب اثنای معاینه ده اثبات وجود ایتسی لزومی ملکیه  
 مأمورلری واسطه سیله اعلان ایتیرد کدن صکره منسوب اولدیغی  
 طابورلک قول اگامی و طابور کاتبی آلوب معاینه یه چیقار و هر بلوك  
 دائرة سنه وصولنده اوبلوک یوزباشیسی ایله بر ملازم آهرق او دائرة نک  
 معاینه سی اجرا ایدر شویله که طابوری دائرة سی تشکیل ایدن قرا  
 و قصباتدن هر برینه وصولنده سالف الذکر موجود دفتری موجوده  
 او قریه و یاقصبه ده او سننه یکرمی سنه واصل او لش کرک متائل  
 و کرک مجرد کرک سقط و کرک صاغلام کرک یالکرلی و کرک معینی  
 کیملر وارايسه جمله سی موجود اویلان اسامی قرائته اسماری اوقو -  
 اقربا و متعلقات سائره سندن برینی مأمورلری معرفیه قومیسیونه  
 جلب ایله موجود دفترنده مسطور اولان اسامی قرائته اسماری اوقو -  
 نان کیملر ایسه موجود او لوب اولدقفری یوقلنهرق بونلردن اوراده  
 موجود اولنلر کوریلوب ایچلرنده علیل و سقط بولنانلرک درجات  
 معلومیتیرینه و دیکرلرینک دخی احوال جسمیه و بدنیلرینه دائرة مشهو -  
 دات واقعه تمامیله کنیه لری حذالرینه شرح و ترقیم موجود اویلانلر کده  
 نزدهه اولدقلرینه و حال و کیفیتیرینه دائرة پدرلری و یا اقربا و متعلقانی  
 طرفاندن ویریله جاک معلومات کذلک کنیه لری حذالرینه اشارت  
 اولنور معاینه امر مهمی بوصورته و کمال دقت واعتنا ایله اجرا و اکمال  
 اولنقد نصرکه موجود دفترلرینک زیری امضا و تختیم اولنوب دفتر مذکور

معاینه انجام نشاند و ماری اینها معاینه ده پردازه که رخانه های فوج فرقه زن بوند و زاید و اسماهه مباری  
بودند و همچنانه بوندی فرقه زن تهدیدهایی داشتند و نیزهای شفیع مادرانه پذیری بر  
معاینه انجام نمی‌نمودند و همان‌جا باقی ماندند (۲۶)

اخذ عسکر شعبه سنه حفظ ایدیلور و بونک ایکی قطعه صورت مصدقہ سی  
او طابورک منسوب اولدینی ردیف لواسنہ و ردیف لواسی طرفین دخی  
بونلرک بری تو قیف ایدیلوب دیگری بالتدقیق زیری تمہیر ایدیلرک  
اردو مرکزیت ارسال و تیار اولنور .

یتمشنجی ماده اثنای معاینه ده معینسازلکلری بیان ایدنلرک  
معینسازلکلری کیفتی اسماری حذالرینه غایت اطرافی شرح و ترقیم  
اولنوق لابد اولوب معاینه قومیسیون نججه بوبابده اختیار و تکاسل ایدنلر  
شدیداً مسئول طویله جقدر .

یتمش برنجی ماده هر بر ردیف بلوکی ضابطانی بلوکلری دائرة .  
لرنده بهر سنه ایچنده یکرمی یائشنه کیره جک افرادک احوالی تدقیق  
و وقوعاتی تحقیق ایدرک معلومات مستحصله لرینی معاینه هیئتک و رو دنده  
تبليغ واراهه ایده جکلرندن و بوده امر معاینه دی تمهیل ایلیه جکنند  
اثنای معاینه ده اشبیو معلوماتک دخی نظر دقه المنسی لازم در .

یتمش ایکنجی ماده موجود دفتر لرنده کی اسامی حذالرینه کرک  
اثنای معاینه ده و کرک نومرو کشیده سی صردده ویریله جک شرحدرده  
حک و سلتی و جزکی بولنمنی اصلا جائز دکلدر .

یتمش او چنجی ماده صنوف مختلفه نظامیه الای قوماندانلری  
الایلرینک موجودلرینی و بونلردن نه مقدار پینک سلاک احتیاطه نقل  
ایده جکلرینی والا یلرینه مربوط احتیاط افرادندن نقدرینک سلاک  
ردیفه کچه جکنی و صور متوجه ایله انگکاک ایده جکلرک مقدارینی ناطق  
اوله رق صورت صحیحه و سالمه ده بر قطعه دفتر تنظیم ایدوب اشبیو دفتری  
روز قاسمده سلسله مراتب قاعده سنه تو قیا منسوب اولدقلری اردوی  
ها یونلر مرکزیت اینه ارسال ایده جکلر و هر بر اردو ارکان حرب دائرة .  
سنجه مذکور دفتر لرک تدقیقاتی بالاجرا اول اردوی هایونک بالعموم  
الای و طابورلری ایله اقسام سائره سی ایچون ترتیب تامدن نه مقدار

نقانی اولدینی و اولسنے استبدالنده دخی نمقدار نفرات عتیقه نک احتیاط سلکنه نقل اولنهرق یرلرینه نمقدار نفرات جدیده نک لزومی اوله جنی اکلاشدقدن صکره معاینه و قواعتنی حاوی اوله رق ردیف لوالرندن کلان موجود دفترلرینه هر اجعتله اردو دائرة سنده او سنہ یکرمی یاشنده نمقدار افراد موجود ایسہ بونلرک قضا و قریه و خانه و نومرو و اسم وکنیه لرینی حاوی اولق او زرہ مارالذکر موجود دفترلرندن استباط واستتساخ ایله هر بر قضا ایچون بشقه برقه بر موجود دفتری و قضاردن بھرینک نمقدار نفرات ویرملری اقتضا ایده جکی تقسیم و تعین ایدیله رک او سنہ بالامتحان اثبات اهلیت ایده جک طلبہ نک بالطبع ترک ایدملرندن وسائل اسباب متوعه دن طولایی تربت ایده جک نقانک جبر واکالی ایچون یوزده اون نسبتندہ افراد ضم اولنهرق اکا کورہ بر قطعه تقسیم دفتری و هر بر قضادن النہجق نفرات جدیده نک قنی الایک قنی طابو - رینه ویرملک او زرہ قنی موقعه ایصال اولنمری لازم کله جکنی متصمن بر قطعه دخی تخصیص دفتری تحریر و تنظیم اولنوب اشبو دفترلردن موجود دفترلری بعده اخذ عسکر مجلسیلرینه کوندرملک او زرہ ارکان حرب دائرة ننده بالتوحیف قصورلرینک یعنی تقسیم و تخصیص دفترلرینک برصورتی الیقونیله رق اصلاحی مقام سرعسکری یہ تقدیم و ارسال اولنور .

یتمش در دنجی ماده اردوی هایونلردن ورود ایده جک تقسیم و تخصیص دفترلرینک دائرة عسکریه جه اجرا اولنہ جق تدقیقاتنده بالعموم اردوی هایونلر ایچون او سنہ النہجق عجمی نفرات نمقداره بالغ اولور ایسہ انک و ولایات شاهانده اولسنہ یکرمی سنہ دخول ایدن افرادک یکونلری آیرو آیرو ڪوستیلر رک مکمل بر قطعه دفتر تنظیم ایدیلوب واردولردن کلان سالف الیان تقسیم و تخصیص دفترلریده اشبودفترلر ایله بر اشیدیریلوب جملہ سی مقام سرعسکریدن با تذکرہ باب عالی یہ تقدیم و تسيار

اولنور باب عالیجه مذکور دفترلر اوزرینه لازم کلان تدقیقات و ایجاد  
حاله کوره مقام سرعسکری ایله مخابرات اجرا اولنهرق حاصل اوله حق  
نتیجه و قرار اوزرینه کیفیت باب عالیدن عتبه علیای حضرت خلافتپناهی یه  
عرض ایله استیدان اولنور اخذ عسکر خصوصنه اراده سینه جناب  
ملکداری شرفسانع اولدقدن صکره باب عالیجه نفرات جدیده لازمه نك  
اولصورته اخذ واستحصالی ایچون هر بردازه نك ویره جکی  
خصوص اولق و تقسیم دفتری منطقه جه هر بردازه نك ویره جکی  
نفراتک مقداری مندرج بولنق اوزره ایجاب ایدن اوامر عایه تصیر  
ایله اخذ عسکر مجلسینه لاجل الارسال ذکر اولنان امر عالیلر مقام  
سرعسکریدن اردواری طرفلرینه اسیال و داخلیه نظارتنه ده بیان حال  
اولنور داخلیه نظارتنه ده ملکیه مأمورلرینه لازمکلان تبلیغات ایفا  
قلنور .

یمنش بشنجی ماده ماده سابقه ده بیان اولندینی وجهله اصدار  
بیوریلان امر عالیلر اردوی هایونلره ارسال اولنقدنه اردوچه اولجه  
استحضار اولنان موجود دفترلری تخصیص دفترلرینک صورتلریله برابر  
عاجلاً ردیف میلوارینه وردیف لوالری طرفلرندن دخی ردیف  
طابورلری بیکاشیلرینه کوندرملکله برابر قنی قصادرن النحق نفرات  
جدیده نك نه مقداری قنی الای و طابورلره تخصیص اولنش ایسه اول  
الایله ده اردوی هایونلردن اولباده آیروجه تحریراً معلومات ویریلور .

یمنش النتجی ماده مدرسه نشن طلبدن اولوبده طالب امتحان  
بولنانلری ردیف لوالری مرکزلرنده اصولنه توفیقاً امتحان ایتمک ایچون  
اردوی هایونلر الای مفتیلرندن هر برلوا دائزه سنه برمیز بالانتخاب  
صورت مأموریتلرینی متضمن اوله رق یدلرینه اردو قوماندانلری  
طرفلرندن بزر تحریرات ویریلوب کندولری ردیف لوالری مرآکرینه  
تعین واعزام اولنور شاید براردووده ایجای قدر الای مفتیسی بولنه منز

ایسه اوست طرفی ایچون اقضا ایدن میزler در سعادت‌تجه پیاده دائره‌سی معرفتیله تعین و تدارک اولنق اوزره نه‌مقدار میزك نقصان اولدینی و بونلرک قنی لوا مرآکرینه کوندریله جکی دخی اردولر طرفدن اوچه مقام سرعسکری یه بیلدیریلور مع‌مافیه الا مفتیلرندن برینک غیوبی حالت‌جوارت کوزدیله رک بر الا مفتیستک ایکی لوا دائره‌سنه مأموریتی جائز اولور .

یتش یذنچی ماده امر عالیلرک اخذ عسکر شعبه‌لرینه وصولی متعاقب هر بر رده‌یف بیکباشیسی نومرسی چکیله جک اولان قضانک ملکیه مأموریله بالخباره اخذ عسکر مجلسیش تشكیلی قرار‌لشیدیر مقاله برابر ملکیه مأموری معرفتیله اول قضانک داخلنده بولنان قصبه و قریه - لرده متأهل و مجرد سقط و صاغلام و معینلی و معینسز وقضاده موجود و تجارت و آخر بر مصلحته سائیر بر محاله کتمش یکرمی یاشنده کیملر وارایسه انلری وسین سا به‌هه‌دن اسباب متوجه ایله قالوب او سنه اخذ عسکر مجلسی حضورنده اثبات وجود ایتمکه مجبور بولسانلری روز حضردن بش‌کون صکره نومرس و چکیله جک محاله کتورمک موجود اولیانلرک یرلرینه اخذ عسکر مجلسیش وکالت ایچون پدرلری ویاخود اقربا و متعلقات سائیره‌سندن برى کلک اوزره قضانک موجود دفترلرندن جمله‌سنک آیرو آیرو پوصله‌لری ترقیم او نه‌رق قریه مختارلرینه ایصال قلنور .

یتش سکنچی ماده روز حضرک بشنجی کونی فصل ثانیده حضوری بیان و تعداد اولنان مأمورین ملکیه و عسکریه و علمیه وسائیره - دن مرکب اولق اوزره اخذ عسکر مجلسی تشكیل قلنور وقضانک نفوس مأموری دخی نفوس دفتری می‌ستصحباً مجلسیه حاضر بولنور نومرس و کشیده‌سنه دعوت اولنانلر مجلس مخصوص اجتماعه کلده‌کلر نده مجلس مواجهه‌سنده امر عالی قرائت و منطق جلیلی جمله‌ی افهام و اشتاعت

مناصیه نقوص بند ری دله بیمه‌لری  
بعد موئیه ایلرک بزرده ملطفه ایس  
نظام سیمه‌لری دفعه -  
بر قضانک زاهیره دایی باید اردواره  
مریوط بونه هدایه اردواره دو طرفه کاره  
اقد شکه بند ری دساده یه گزینه  
دیز ری ایه طایه علیم چالنکه سیب و دیون  
ما خدمه طایه علیم چالنکه سیب و دیون  
ادغز

اولندقدن و تیناً دعای واجب الادای حضرت پادشاهی دخی ایفا قلنقددن  
 صکره موجود دفتری آچیلهرق اشبو دفترده مسطور اولان اسامی  
 علناً قرائته اسلامی او قوانلر کیملا یسه موجود اولوب اولمقلری  
 یوقلانور بونلردن اوراده موجود اولنلر کوریلوب فصل تاینیک او تو ز  
 سکرنجی ماده سنده کوستارلیکی وجهه کندولرنده خدمت عسکریه  
 یرامیه حق صورتده بر سقطلق اولدینی بداهه آکلاش یلانلر وینه فصل  
 مذکورک یکرمنجی و یکرمی برنجی و یکرمی ایکنجی و یکرمی اوچنجی  
 و یکرمی دردنجی و یکرمی بشنجی مادرلرنده بیان اولنان معافلره  
 قرقنجی و قرق برنجی و قرق ایکنجی و قرق اوچنجی و قرق درنجی و قرق  
 بشنجی ماده لرنده سنه آتیه یه ترك او له جقلری کوستارلیانلر بر طرفه  
 آیریلوب بونلرک نسبب و علت او زرینه تفریق و یا استشنا قلنقدلری هم  
 قضانک نفوس دفترنده و همده اخذ عسکر مجلسی نزدنه بولنان موجود  
 دفترنده اولان اسلامی حذالینه شرح ویریلور واو قوان اسامی  
 صاحبلردن اوراده موجود اولیلوبده تجارت و یاخود آخر بر کار  
 و مصلحته بشقه یرلرده بولنه رق ینه کندولرنده فصل مذکورک مندر -  
 جاتندن اولان عذر و علتند برعی اولدینی کذلک بالتحقیق ارباب وقوفك  
 و مختار و همشهریلرینک شهادتاریله صورت علئیه ده تین ایدنلر حقنده  
 دخی تفریق واستشنا معامله سی اجرا اولنوب کیفیت عذر و علتندی اسلامی  
 حذالینه یازیلور شو صرده برا ایکنجی معاینه اجرا اولنمش اولنله برابر  
 موجود دفتریله نفوس مأمورینک یدنده بولنان دفتر دخی یکدیکریله  
 مقابله ایدلش او له جغدن بوایکی دفتر یشنده برمیانیت کوریلور ایسه میانیتک  
 اسباب موجبه سی مجلسیه بالاطراف تحقیق و تدقیق اولنه رق مذکور  
 دفترلردن قغیسی مقرون صحت ایسه دیکری دخی آکا کوره تصحیح  
 اولنور یعنی اسباب موجبه مفصل اتریم ایدیلور صورت مشروطه و وجهه  
 اجرا اولنان معاینه و تحقیق او زرینه تفریق واستشنا اولنانلردن ماعدا

کرک موجود اولانلرک و کرک تحصیل علم طریقیله و یا آخر بر مصلحته  
دیار آخرده بولانلرک و کرک خسته لنوبده کله میانلرک جمله سنک اسلامی  
حذاسنه نومرو چکدیریله جکنه دال اولق اوزره (ق) حرف قاین  
قلمه و کشیده لی اوله رق اشارت اولنور و بونلرک معینلری کیملر  
اولدینی و نزده بولندینی و کندولرینک متأهل و یامبرد اولوب اولمی دینی  
موخخاً اسلامی حذالریسنه شرح ویریلور و بردہ دیار آخرده اولیوب  
قضالرندہ موجود ایکن شایان قبول بر عذر صحیح و شرعیسی اولیه رق  
ووکیل دخی کوندرمیه رک قریه لرنده قالمش ویا خود بر طرفه صاوشمی  
اولنلر اولدینی حالمه التمشنجی ماده ده کوسترادیکی وجهه انلرک یالکرلی  
ویا خود علیل اولوب اولمقداری صور ملمسین اسلامیتک حذالرینه  
نومرو چکمکدن فرار ایتدیکی جهته خدمت نظامیه عسکر یه الله جنی  
یازیلور و اندن صکره نومرو مصالحی بود فتر اوزرینه اجرا اولنه جغدن  
اول دفترک بالاسته (فلان ردیف لواسنک فلان سنه سی فلان الاینک  
فلان طابوری دائمه سنده واقع فلان قصاده کشیده اولنان نومرو نک  
دفتریدر ) دیو یازیلوب اجرا اولنه حق نومرو معاملاتی اشبو دفتر  
اوزرینه یوریدیلور ۰

یتمش طقوزنجی ماده هر بر طابور دائمه سنده یکرمی سنتده  
بولنان اهالیدن یتمش سکرنجی ماده ده کوسترادیکی اوزره فصل ثالث  
مواد متعدده سنده مکلفیت و خدمت عسکر یه دن معاف و مستنا اولدقلری  
بیان اولانلر آیرلدقدن صکره بونلرک کیفیتی موجود و نفوس دفترلر -  
نده کی نیه لری حذالرینه شرح ویریلله جکی جهته قصور اسلامی  
حذالرنده (ق) حرف بولانلر صرف قسم اول افراد نظامیه شاهانه سی  
اولدینگدن بونلرک مقداری فرضا او چیوز نفره بالغ اولسه مجلس مواجهه -  
سنده درت کوشمه لی اولق اوزره او چیوز عدد او فهرق کاغذ کسیلوب  
هر برینک اسم و کنیه سی موجود دفتر زنده مقید اولدینی وجهه اول

کاغدلرک اوزرلرینه بروبر تحریر او لندقدن صکره مذکور کاغدلر میداند  
 بزیره قوئیلور بعده اولوجهله او چیوز کاغددها کسیله رک بونلرده بردن  
 بدأ ایله هربینه بر نومرو یازلمق اوزره صره سیله او چیوزه قدر نومرو  
 وضع اولنوب بونلر دخی اولکیله قارشماقم اوزره کذلک اورتیه  
 قوئیلور اندن صکره نومرو چکه جک بالجمله نفراتک بالذات کندولری  
 و قریه سنه خسته اوله رق قالمش اولنلر ایله دیار آخرده بولنانلرک دخی  
 نومرو کشیده سنه و کالت ایده جک اولان متعلقاتی و قریه مختارلرینک  
 جمله‌سی مجلس حضورینه جلب اولنوب اسمی یازلمش اولان مارالذکر  
 او چیوز عدد کاغد هر کسک کوزی او کنده بروبر بوکیله رک هربزی  
 برماصوره‌یه ادخل ایله پقاقلری پانه رق اشبو او چیوز عدد ماصوره  
 برو طوره درونه و نومرو یازلی اولان دیکر او چیوز کاغد دخی کذلک  
 اولصورتله ماصوره‌لره قوئیلر رق آنلرده دیکر برو طوره درونه وضع  
 ایله اسمی طوره‌سی مفتی افدى یه واکر اول قضاوه مفتی یوغیسه قضا  
 علاماسندن قومسیوننده مفتی مقامنده بولنه جق افندی یه ویریلوب نومرو  
 طوره‌سی دخی مجلس اعضا سندن بزینه تسلیم اولنور آنل طوره‌لری  
 وجودلرندن آچیق اولق اوزره اوکلزینه وضع ایدوب مفتی افدى  
 طرفدن مختصر جه مناسب بردعا رفع بازکاه جناب و اهباب العطا ایا قلنديغى  
 عقیننده مفتی افدى و ياخود مفتی مقامنده بولنه جق افندی اسمی  
 طوره‌سی و اعضادن بزی دخی نومرو طوره‌سی تکرار اوکلزینه الرق  
 بز المزیله اغز لرندن طوب اچکلرندن اولان ماصوره‌لر لایقیله بز بزینه  
 قارشمۇچون ایکیسى دخی طوره‌لری کرکى کې صالحادقدن صکره ابتدا  
 مفتی افدى يىندە بولنان اسامی طوره‌سنه الى صوقهرق ماصوره‌لردن  
 بز بى الوب اعضادن بزینه ویر اودخی ماصوره‌نک علناً قباگنى آچوب  
 اچنده کاغدی چیقاره رق اول کاغددە یازلی اولان اسمی جهرا ایله  
 او قودقدە اول اسمك صاحبى هر كيم ايسه ايلى و يەكابوب قوللارى درسكلرینه

اند نەزەرە سەپىدە ئەھىزە  
 ماصوره رەزىز سەھىز دەنلىق  
 ايد بز - اجىز ئەتقىز دەنلىق  
 ۸۰۰ - ۸۱۰

قدر صیغه‌لی و آوچی و پرمقابری آجیق اویلینی حالده نومرو طوربهسننه  
الی صوقه‌رق برماصوره الوب ایچنده اولان کاغدی چیقاره رق قتنی  
نومروی چکمش ایسه اول نومرو موجود دفترنده بولسان کینیه‌سی  
حدا سنده کی نومرو حانه‌سننه یازی ورقم ایله یازیلوب کندیسی برکناره  
چکیلور .

بوندن صکره مفتی افندی اسمای طوربه‌سنندن برماصوره دها الهرق کاغد  
چیقارلوب اسمای قرائتده و صاحب اسم دخی نومرو چکمکده تعريف  
مشروح اوزره حرکت ایدرک بویله بویله نومرو چکنارک چکدکلری  
نومرو اسمبلری حذالرینه یازیلور و طلبه‌دن بولنانلرک طلبه‌دن اولدقلری  
دخی بشقه‌جه اشارت اولنور و خسته اوللوب قریه‌لرنده قالانلر ایله  
دیار آخرده بولنانلرک اسمای طوربه‌سنندن اسمبلری چیقدیجه یاپدرلری  
و یاخود متعلقات سائره‌سنندن بری ویاقریه مختارلری نومرو  
طوربه‌سنندن ماصوره چیقارمقد خصوصنده انله و کالت ایدرلر قسم  
اول افرادی نومرو لرینک کشیده‌سنی متعاقب قسم ثانی افرادینک دخی  
موجودینه کوره اسمای نومرو کاغدلری بشقه بشقه ترتیب و تنظیم  
اولنور بونلرک نومرو لری دخی آیروجه ینه بر نومرو دن بدأ ایدر  
وانلرده عینیله قسم اول افرادی نومرو لرینک کشیده‌سی جقنده بیان  
اولنان اصوله توفیقاً نومرو چکدیریلور .

سکساننچی ماده مجلسیجه نومرو چکیلوب تمام اولدقدن صکره  
هیچ بررسیه مبنی اعاده و تکرار ایدیله مز بوجه‌تله یوقاروده بیان اولنان  
اجرا آته فوق العاده اعتنا و دقت لازم‌در نومرو کشیده‌سی اثناهه يالکن  
مفتی افندی و یاخود مفتی مقامنے قائم اوله‌حق افندی ماصوره چیقارمقد  
ایچون اسمای طوربه‌سننه و هر براسمک صاحبی و یاخود و کیلی دخی  
نومرو طوربه‌سننه ایچون ایچون ماعدا خصوصات ایچون یعنی  
کاغد دکش دیرمک و ماصوره‌لری قارشیدیرمقد و سائر بومتلبو برشی

ضمنته کرک اسامی طور به سنه و کرک نومرو طور به سنه کیمسه نک  
الی صوقي قطعیاً منوعدر .

سکسان برنجی ماده نومرو ~~کشیده~~ سنى متعاقب اول طابور  
دائره سندن او سنه قاج نفر الهجقى مجلس رئیسى افراد مواجه سند  
بيان ايدركه اشبو افراد قسم اولك ترتیب اولنی تشکیل ايليان افراد عسکريه  
نظامي شاهانه وباقىسى ترتیب ثانى سنى تشکیل ايليان افراد عسکريه  
ملوکانه در يعني اول دائره ده فرضا اوچیوز نفر قافلی اولوبده بونلردن  
ایکیوز نفر الهجق او لدیني تقدیره زجری نومرو اصحابیله نومرو  
چکمش افراد مأذونه دن سلاح الته النه بیله جك اولنلر اون نفره  
بالغ او لسه بونلردن ماعدا برنجی نومرو دن صره سیله یوز طقسانتنجی  
نومرو يه قدر اولان نومرو لر کیمله ده ایسه بونلر ترتیب اول افرادی  
ویوز طقسان برنجی نومرو دن اوچیوز نجی نومرو يه قدر اولان نومرو  
کیمله ده ایسه انلرده ترتیب ثانی افرادیدر مجرد معینسز لکدن طولای  
افراد مأذونه صره سنده طوتیلانلردن معین پیدا ایتمکدن طولای اسباب  
مأذونیتلىرى زائل اولوبده <sup>تیره</sup>~~تیره~~ ایشانلىق ماده موجنجه خدمت عسکريه  
الهجق افراد اشبو ماده نک یوقاریسنده بيان اولنلر ایکیوز نفردن  
محسوب او لنيوب فضله اوله رق خدمت عسکريه یه ادخال اولنورلى <sup>بیشتر</sup>  
بیشتر سکسان ایكنجی ماده تقسیم دفتری موجنجه بر قضانک حصه سنه  
اصابت ایدن افراد جديده اول قضانک افراد من جوره و مأذونه سیله  
ترتیب اول افرادندن تفريقي او لندقدن سکره تحصیص اولندقلىرى موقع  
عده دام عده ده جم صاحل دادلر دن و خود عسکري يه سوقارندن اول بونلر مقدارينه سپيماً من الاسباب نقصان  
طارى او لورايشه او نقصانک اکالى ایچون اقتضا ایدن افراد او سنه نک  
ترتیب ثانی افرادينک ايلك نومرو سندن بدأ ايديله رك نومرو صره سیله  
تفريقي يه اخذ اولنور انجق او قضانک ترتیب اول افرادندن ديار آخرده  
يعنى دیکر بر عسکر دائره سى داخلنده بولنانلر مؤخرآ ار دولنجه کندى

محسوب نه طور يه ضممه نام ترک دن  
لەن - بزمر و بىلدۈز لەن لەھىپ  
ترتیب نايد يەھىز خەفتاپاھىما تەرىدە  
خ - خەھەزىز كېلىدە مەدار توپرەم خەرە  
اھىپ خەفتاپاھىدە خەلەن - دەھەزىز  
تەھىپه ايدرس سەھەپ بەھەزىز  
ا - لەھەزىز  
ترتیب نايد سەھەپتە يەھەزىز  
دەنلەن اھەزىز

برھاده بزمر و بىلدۈز بە مازۇنەھەزىز  
اغا مادندا فزادەھىپ دەھەزىز  
اگارە مەھانىا بىلەت دا بەرھەزىز  
عەدە دام عەدە دەھەزىز دادلر دن و خود  
معنەتكەزىز خەپ بولنلر دن و بولنلر دن  
مازۇنەھەزىز بولنلە دەھەزىز مەھەزىز  
رسوھەنەھەزىز بولنلە دەھەزىز دەھەزىز  
ظەھەزىز مەھەزىز بەھەزىز دى دەھەزىز  
بونلر سەھەپ داد تەھەزىز تەھەزىز  
ترتیب اولم نەھەزىز ایشپۇر اھەزىز

٥

بۇندىمە يىدىن دەھەزىز تەھەزىز دەھەزىز دەھەزىز  
دەھەزىز دەھەزىز دەھەزىز دەھەزىز

دائره لرينه جلب ايديله جكلري جهته انلره مقابل ترتيب ثانيدن ترتيب  
اوله بشقهجه افراد نقل لازم كلنر .

افراد من صوره يه سعاده بوند-

سکسان اوچنجي ماده اخذ عسكري مجلسى حضورنده ايلك واينجى سنه لرده اثبات وجود ايدن يعني يكرمى ويكرمى برياشلرنده بولنان افراد مياننده خدمت عسكري يه اليرميجه جك بعض علل وامراض داخليه ايله معلوماتلىرى منسوب اولدقلرى لوا مرکزلرنده هيئت صحىه معرفىلە بالمعاينه ثابت اولنلر افراد ماؤزونه ميانه نقل اولنور وبونارك اوتوز طقوزنجي ماده موجبنجه التنجي سنه ده اجرا اوله جق معاينه لرنده علتلىرىنىك هنوز زائل اولمدىنىي اكلاشيلورايىسە كندولرى عساكر رديفه شاهانه سلکنە نقل ايديلور وبوناردن معلوماتلىرى مندفع اولنلر خدمت عسكري يه النورلر .

سکسان دردنجي ماده نومرو كشيدەسى معاملەسى يتش طقوزنجي مادده كوستارلىكى اوزرە ختما بولقدن وترتيب اول وترتيب ثانى افرادى تفرقى ايدلەكدىن سكرە ترتيب اول افرادىنە سلاك ئاظميده خدمت ايدە جكلري تبليغ اوتفلغە برابر خانه لرينه كيدوب انالىنى وبابالىنى وسائل اقر بالىنى كورمك وبعض ايشرلىرى وارسە يولنه قويىق ايجون اول كوندن اعتباراً كندولرىنىك يكرمىشىر كون مدتله ماؤزون او له جقلرى وبومند خاتمندە كندولكلرندىن ينه رأس قضايە كلنر يولنده نصح وپند ايديله رك وشايىد كلىز لر ايسيه هرنە وقت ونردهه اولور ايسيه اولسون طوتىلەرق حقلرنده فرارى جزاىي اجراسىلە برابر ينه استخدام قلنە جقلرى اكلايە بيلە جكلري تعيرات ايله افاده وتفهم او له رق وبرمانع شرعى وحقيقىلىرى ظھور ايتدىكى حالدە ينه جملەسى رأس قضايە عودت ايدوب الايلرىنه عنقىلە سلاك عسكري يده بولندقلرى مدتبىجە دين و دولته كمال صدق واستقامته خدمت ايدە جكلري يه دائرة مجلسىدە بولنان علماء معرفىلە برىئين ويردىيله رك يكرمى كون مدتله

خانه لریت ه رخصت ویریلور و تخلیف معامله سی ترتیب ثانی افرادینه  
دخت اجرا ایدیریلور طلب علومدن بولنانله دخی کذلک یکرمی کون  
رخصت اعط اقلنور بعده ترتیب اول افرادینه مدت مأذونیتلری  
اشناسینده کندولرندن هر نصوrtle او لور ایسه او لسون بر کونه جنجه  
و باحت صادق او لور ایسه حقلرنده ملکیه جزا قانوننامه هایونی  
مو جنبجه مامعله جزایه اجرا اولنه جنی تفهیم و افاده اولنه رق  
مأذونیت مدت نک ختمیله رأس قضاده تجمع ایدنجیه قدر عرض و ادب لریله  
کروب کیمسه حقنده یولسز معامله و تعدیه اجتسار ایتماری ضمته  
تنیهات مناسبه ایفا قلنور .

سکسان بشنجی ماده ترتیب ثانی یی تشکیل ایدن عساکر شاهانه .  
نک نه موسمده وزره لرده ایفا خدمت عسکریه ایده جکلری آیریجه  
نظمنامه ایله معین بولند یغندن انلر حقنده نظامنامه مذکوره توفیق  
معامله اولنه مقدر .

سکسان التسبیح ماده حج شریفده بولنو بده نومرو کشیده سی  
صرهده اخذ عسکر مجلسی حضورنده اثبات وجود ایده میانلرک نومرو .  
لری پدر ویا خود ولیلری واقربا و متعلقانی ویا مختارلری معرفتیه چکیلور  
بونلرک نومرو لری برنجی قسم عساکر شاهانه نک ترتیب اولنه تصادف  
ایدرا ایسه کندولری ایرتسی سنه سلاح الته المقا اوزره او سنه نک  
افراد مأذونه سی میانه نقل ایدیریلور . فیابا نومردک یکمی بخدمت نیز نک

سکسان یدنجی ماده ضبطیه و رئاندارمه و پولیس سلکلر نده  
بولندقلری حالده نومرو کشیده سی اثناهه ترتیب اول نومرسی آمش  
اولنلر خدمت عسکریه جلب و اخذ او لورلر بونلرک ذکر اولنان  
سلکلرده سبقت ایدن خدمتلری مدت عسکریه لرندن تنزیل او لمز .

سکسان سکرنجی ماده مجازات ترهیبه مستلزم جزال ایله یعنی  
مع التشریف مؤبدآ و یاموقساً کورک و قلعه بندلک و نفی ابد و مؤبدآ رتبه

و مأموریت دن محرومیت و حقوق مدنیه دن اسقاط جز الیله محکوم اویش ارباب جنایت عسکرلک شرفه نائلیدن دخی محروم طوتیلوب اولن سلک جلیل عسکری یه قبول اولمز .

سکسان طقوزنجی ماده سن مکلفته داخل اولنلردن برجنجه و قباختله مظنو ناً محکم عدیله تخت محکمه ده بولندقلری اخذ عسکر مجلسنه خبر ویریلان افراد قضالری داخلنده ایسلر جلب اولنوب حضوراً واکر قضالری خارجنه بر محلک محکمه سنجه تخت محکمه ده بولنیورلایسه غیاباً نومرولری چکدیریلور بومثاولرک ختم محکمه لرنده ایچلرندن سکسان سکرنجی مادده کوستیریلان مجازات ترهیبه ایله محکوم اولنلر خدمت مقدسه عسکریه ده استخدام اولنیق شرفدن محروم براقیلورل .

طقساننجی ماده کرک معاینه و کرک نومرو کشیده سی اشاده اخذ عسکر مجلسی مأمورین عسکریه سنک مصارف طریقه لری اصول و نظام مخصوصه توافقاً اردولری طرفدن تسویه اولنه جغدن بولنلردن طولاشدقلری محلارده کندولرینه لزوی اوله حق شیلری اچه ویرمیه رک مجاناً آلمعه و بوکا مثالی تعدى یه قالقیشانلر اولور ایسه ملکیه جزا قانوننامه هایوننده کی بند مخصوص مو جنبجه حقلرنده مجازات اجرا اولنور .

### فصل سادس

( نومرو کشیده سندن صکره اجرا اولنه حق معاملاتی محتویدر ) طقسان برنجی ماده فصل سابقده بیان اولنلرینی وجهمه نومرو کشیده سی معاملاتنک خاتمنده موجود دفترینک نهایته اول قضاوه نومرو کشیده سنک برموجب قانوننامه هایون کمال عدل و حقائیت اوزره اجرا اولنلرینی تصدیق ضمینه بر قاج سطر شرح یازیله رق زیرینه اخذ عسکر مجلسی ترکیب ایدن اعضا طرفدن مضبطه کونه وضع

هر نهاده نزد مذکوره این مقاضی  
هر نوونه ناخواسته عدها خدا دیانت  
اولن نعمت احصنه خواریلری  
نعمت سرعتیه دار دخواهه المعا  
تایله مختاری اتفاق ام کیلریده  
ایموزریه

هر نهاده نزد مذکوره این مقاضی  
ایراده بیهون تقدیم از از پرورد  
دیقایی تسبیاد دیانته و خیلی  
نهاده اولن نعمت دکیلیه منه گونه زیر  
ایران نعمت احصنه خواریلری  
بر بیهون تقدیم طوفانیه خاصه سرعتیه  
نهاده اولن نعمت - لی خود ریه  
۲۸

امض ایله بعد التهیر بودفترک ایکی قطعه صورتی بالاخرج زیرلری  
اصلنه مطابقدر اشارتی یازیله رق کذلک اعضا طرفدن تصدق  
و تمیر اولنور بوندن صکره اخذ عسکر شعبه‌ی قسم اول و قسم ثانی  
افرادینه مخصوص اولم و مع احتیاط مدت نظامیه اولان سنه‌ی نک  
وقوعاتنه منحصر بولنق اوزره او لجه اردودن کوندرلش اولان فرمی  
قابلی جزو دانلره افراددن هر برینک موجود دفترنده اولان کنیه‌ی سیله  
اشکالنی و حضوراً نومرو چکمش اولان طبله علومه و بر لجه جک جزو.  
دانلره فضله او له رق کندولرینک کیجه‌ی کیجه‌ی کوندو زلی مدرسه‌ده تحصیل  
علوم دینیه ایله مشغول اولدقلرینک محنجه مثبت و محقق بولندیغی  
واقچنجی سنه‌ی نک ترتیب اول افراددن ایدوکنی وساکن اولدینی  
مدرسه‌ی نک اسمی حک و سیلنتی و چزکی کی داعی شبهه علامین عاری  
او له رق مکملًا ثبت و تحریر و عموم منک چکمش اولدقلری نومرو لر دخی  
هم رقم و همده یازی ایله اشارت و تزیر وزیر لری تهیر ایدوب بریاندن  
بونلری تهیه و احضار ایمکله برابر دیکر طرفدن دخی اردودن کوندر.  
لش اولان تخصیص دفتری موجنجه ترتیب اول افرادینی ترکیب ایدن  
نفراتک صنوف مختلفه عسکریه ایچون نقدی خنی محله سوق ایده جک  
ایسه اسم و کنیه و سن و شهرت و نومرو خانه‌لر لاه هر محل ایچون  
سالف الذکر موجود دفترنده سوق دفتری نامیله بشقه بشقه بر دفتر تنظیم  
و طبله علومدن بولنلری جهته امتحان ایچون لو امر کر لرینه کوندر لاه.  
جکلرک دخی اشبی سوق دفترنده اولان اسمیسی حذالرینه کندولرینک  
او سنه طبله‌سندن اولدقلری اشارته برابر لاجل الامتحان لو امر کر لرینه  
کوندرلشدر دیوتاریم ایدوب زیری خنی تختیم ایدرک دفتر مذکوری نفراتی  
تخصیص اولنار موقه کوتوره جک ضابطه اعطای ایدر سوق دفتر لرنده  
طلبدن اولدینی محرر اولانلرک دخی آیروجه اسم و کنیه واشکاللر لاه  
او سنه طبله‌ی اولدقلری میان بر دیکر دفتری خنی تنظیم ایدوب کذلک

طلبه مکلفه ۸ اخراج دنداره ایدن سرگرد خدید بعد مدد نیز اوله کم از ده هزار میلیون ریال و ده هزار  
بالنکاره که نکه مبتدا میتواند بوندانزاده طلاق درین عیادت شایسته تلقی ننمود افتد از طبقه دیگر پیش از  
۱۸۰۰

زیرینی تمہیر ایله بود فتری دخی طلب علمی امتحانه کوتوره جگ ضابطه  
تسیلم ایلر بعده ترتیب اول افرادینک مدت مأذونیتی بر توب خانه  
لرندن عودت ایتدکلر نده اشاغیده بیان اولندینی و جمله یول مصر فلرینی  
اعطا وسائل ایحباب ایدن معاونتی اجرا ایله سوق ایدر و مارالذکر موجود  
فترینک او لجه اخراج و تصدیق اولنش اولان صورتلرندن برینی  
بالوقیف دیکری لوا مرکرنده الیقو نلمق واصلی دخی مرکر اردوی  
ها یونه کوندر ملک او زره اشو صورتی واصلی مناسب برواسطه ایله  
سریعاً منسوب اولدینی ردیف لو الغنه ارسال ایلر .

طقسان ایکنچی ماده خانه لرینه رخصت ویریلان ترتیب اول  
نفراتنک یکرمنجی کون محل مخصوص اجتماعه تجمعلرندن ینه ردیف  
طابوری بیکاشیسی و قول اغاسی و طابور کاتی ایله قضانک ملکیه  
مامورلری و حاکم و مفتیشندن وسائل علمی و وجوهندن مرکب بر مجلس  
عقدیله سوق مامورلری دخی حاضر اولدقلری حالده نفراتنک کلوب  
کلمیانلرینه باقیلوب واکر بعضیلری فرار ایدرک و یاخود بر محلده صا  
قلندرق کلاماش ایسه او مقوله لر فراری عد اولنوب و طلب علمدن  
اولنردن دخی بوصورتله یکرمنجی کون بلاعذر شرعی کلیانلر  
اولور ایسه صکره دن امتحانه طالب اولسله لرده اعتبار اولنیه رق انلرده  
فاراری حکمنده طویلوب کرک قضاده قاله حق اولان و کرک اخذ عسکر  
مامورلرینک یدنده بولنان م وجود و سوق دفترلرنده محرر اسامیسی  
حدالرینه نومرو کشیده سندن صکره فرار ایتمشد دیو تحریر و بر طرفدن  
ارانلمیزی ضمته ده قضانک ملکیه ماموری طرفدن پوصله لری اخراج  
ایله قریه لری مختارلرینه تسیر اولنور و کلش اولنله معامله لطفیه  
اجراسیله برابر حاضر بولنان جزو دانلردن هر فرد ک جزو دانی مجلس  
مواججه سنده یداً بید کندو سنه اعطای و تسیلم ایدیلور و قسم ثانی افرادینک  
جزو دانلری ایلو و ده بونلرک لاجل التعلم جبلرنده منسوب اولدقلری

موجعلر لر کوئه ده زده پنجه هر  
نی سعادت اقامه ته طلب بوده  
شمس ناه از از ده مفسن کاری شان  
ادله په سرمه طلاق اهدی دنیم خانه  
اقد عده فیلم ده فریه بیوه بیله اوزه  
اسدین به بدر تکمیل ده سان اهله  
کاره

بی دیم سرمه طلاق از ده خانه  
سوق ری مدت نه مردیا در فریه  
محسوپ اهله ده فرمومه صاحب  
دسته ام بیمه اولان طلاق  
دیوب مادره لند طلاق ده سخن  
دیوب (۲)

مویون فامه م هاز بون ده هم بون  
دیوب دلیفه سه بیمه کنیه ده زریه بیوه  
کاسه نکه ده بیمه بیمه بیوه  
کاره

نمرد یوه نکه بیمه ده  
جن دنکه ۲۲۱۰۰

صنته ده فرمومه از ده بیمه  
باشه بدهاره سندنه تا خدیه ایتم  
انجی طرفنه سونه بیمه ده ایتم  
اد معدنه از ده بیمه ای اعطا ده فرمومه  
ریویه از ده مده ده طلاق ده دلیفه  
کنیه ده ایمه ده ایمه دیمه  
هفده بیمه ده ایمه ده ایمه دیمه  
دیونت فرماده دیف ده بیمه ده دیف  
مضره ده بیمه ده ایمه ده ایمه دیمه  
داده ده بیمه ده بیمه ده بیمه دیمه  
بانه بیمه کونه بیمه (۲)

بلوکلر ضابطانی معرفتیله کذلک یداً بید کندولرینه ویرلک اوزره اخذ  
عسکر شعبه سنجه حفظ اولنور .

طقسان او چنجی ماده طلبہ علومدن اولنلر نفرات جدیده سائمه  
میانندن تفرقی و سینین سابقدهن موجود اولوب او سنه یه مخصوص  
امتحانزخی ویره جک او لان طلبه دخی جلب ایله یانلرینه تعین اولنار  
سوق مأموری کندولرینه ترقی ایدیله رک یا پیلان دفترلر ایله برابر  
طوبدن منسوب اولندقلری ردیف لواسی مرکزینه ارسال اولنوب  
اوراده امتحان ایمکه مخصوص اوله رق بولندریله حق میز معرفتیله اول  
صورته افایه مده فـ تـالـیـفـ عـبـارـهـ مـحـلـکـ الـکـ بـیـوـکـ مـلـکـیـ مـأـمـورـیـ وـرـدـیـفـ اـمـراـ وـضـاـطـانـیـ وـمـفـیـ وـعـلـمـانـیـ

شـرـدـ مـعـاـدـدـ مـاـدـ دـوـجـ تـصـاـیـجـ حـاضـرـ اوـلـدـیـنـیـ حـالـدـ بـوـنـلـرـدـنـ يـکـرـمـیـ وـیـکـرـمـیـ بـرـیـشـلـرـنـدـهـ اوـلـنـلـرـیـ  
عـلـمـیـ دـمـقـرـهـ اـصـدـایـ دـمـعـاـنـهـ خـوبـهـ صـرـفـ وـنـخـودـنـ وـصـنـعـتـ خـطـدـنـ وـيـکـرـمـیـ اـیـکـیـ وـیـکـرـمـیـ اوـجـ يـاشـنـدـهـ  
دـذـلـانـلـهـ دـعـاـیـظـمـهـ تـنـدـلـهـ کـمـ مـقـدـسـهـ بـوـنـلـرـیـ خـوـ وـمـنـطـقـدـنـ وـفـارـیـدـنـ وـاـمـلـاـدـنـ وـیـکـرـمـیـ درـتـ وـیـکـرـمـیـ  
بـشـ یـاشـلـرـنـدـهـ اوـلـنـلـرـیـ مـنـطـقـدـنـ تصـوـرـاتـ وـتـصـدـیـقـاتـدـنـ وـافـادـهـ مـرـامـ  
ایـدـهـ جـکـ قـدـرـ عـرـبـیـ وـیـاتـرـکـیـ اـنـشـادـنـ اـمـتـحـانـ اوـلـنـهـ رـقـ اـثـبـاتـ اـهـلـیـتـ عـلـمـیـهـ  
ایـدـلـرـ اـیـسـهـ اـفـرـادـ مـأـذـونـهـ مـیـانـهـ یـعنـیـ سـنـهـ آـتـیـهـ یـهـ تـرـکـ اوـلـنـقـ اوـزـرـهـ  
قـنـقـیـ سـنـدـهـ وـقـنـقـیـ فـنـ وـدـرـسـدـنـ اـمـتـحـانـ اوـلـنـدـقـلـرـیـ یـدـلـرـنـدـهـ کـجـ زـؤـدانـلـهـ  
اـشـارتـ وـتـرـقـیـ وـمـجـلـسـ اـمـتـحـانـدـهـ بـوـلـنـانـ ذـوـاتـ طـرـفـدـنـ زـیـرـلـرـیـ تـخـیـمـ  
ایـلـهـ عـودـتـ یـوـلـ مـصـرـفـلـرـیـ دـخـیـ وـیـرـیـلـهـ رـکـ مـحـلـرـینـهـ اـعـادـهـ اوـلـنـوـرـلـهـ  
واـثـبـاتـ اـهـلـیـتـ اـیـدـهـ مـدـکـلـرـیـ صـورـتـدـهـ سـلـکـ عـسـکـرـیـ یـهـ قـیدـ اـیـدـلـکـ اوـزـرـهـ  
اوـلـ ردـیـفـ لوـاسـیـ مرـکـزـنـدـهـ بـوـلـنـانـ کـوـچـکـ ضـاـبـطـاـنـدـنـ بـرـیـهـ تـسـلـیـمـاـ  
قـنـقـیـ مـوـقـعـهـ تـخـصـیـصـ اوـلـنـشـلـرـ اـیـسـهـ اـرـسـالـ وـبـوـصـورـتـهـ اـمـتـحـانـهـ کـلـانـلـرـدـنـ  
قـغـیـلـ اـبـاثـ اـهـلـیـتـ اـیـدـرـکـ اـعـادـهـ قـلـنـمـشـ وـقـغـیـلـرـیـ اـمـتـحـانـ وـیـرـهـ مـیـهـ رـکـ  
داـخـلـ سـلـکـ عـسـکـرـیـ اوـلـقـ اوـزـرـهـ تـخـصـیـصـ اوـلـنـانـ موـاقـعـهـ کـوـنـدـرـلـشـلـرـ  
ایـسـهـ طـلـبـهـ مـرـقـوـمـهـیـ اـمـتـحـانـ اوـلـقـ اوـزـرـهـ قـضـالـرـنـدـنـ مرـکـلـرـهـ کـتـورـنـ  
ضـاـبـطـاـنـکـ بـرـاـبـرـ کـتـورـدـیـکـیـ دـفـتـرـلـرـدـ مـحـرـ اـسـمـلـرـیـ حـذـرـلـرـینـهـ شـرـحـ

ویریلرک زیرلری كذلك حضار طرفدن تمہیر ایله بودفترلر دخی امتحان  
ویره میان طلبی سوق ایده جگ مأموره تسیماً تخصیص اولندقلری  
موقعلره اسپال اولنوب قضاوه قاله جق موجود دفتری صورت مصدقه سنده  
بولنان اسمراری حذالرینه دخی امتحان اولوب اولیانلری شرح ویرلک  
اوزره اول دفترلرک برسورتی دخی رأس قضایه کوندربلور

طلبه علومك امر امتحانلرند برسکونه حمسزاق وقوعه کاماك  
اچجون امتحان مجلسسلرنده قانو نا مأمور بولنان امتحان میزندن و مفتیدن  
بشقة محللر نجھه مقدار کافی مدرس وخواجه بولندریلە جق و امتحانلری  
اجرا اولنان طلبه علومدن تحصیلات علمیلری درجه کفایه ده اولدینی  
حالده ایراد اولنان سؤللرە برعارضه اعصابیه تائیراتیله جواب ویرمکه  
مقدر او له میانلرک و هله امتحانلرینک ردیله در حال عسکره التلری  
بولنه کیدیلیوب کندولرینه يکرمی کون مهلت ویریلرک تکرار امتحانلری  
اجرا قلنے جقدر .

طقسان دردنجي ماده خانه لرندن عودت ایدنلردن طلبه علوم  
ماده سابقه ده کوستلديکي وجهمه تفریق اولندقدن صکره قصور سلاح  
الته انه جق افراد موقع لازمه بھ تخصیص اولندقلری صردده اچلرند  
جسمماً سلاح طاشیمغه الورشلى بولنیانلر خسته خانه خدمت چیلکنه  
و صنعت آشنا اولنلردن ترزیلک و قوندره حیلک و مویتابلق و مراتقوزلق  
تلغرافیلیق مثللو پیاده و سواری و طوپھی صنفلرینه مقضی صنایع  
عسکریه اربابی مألف او لدقانی صنعتلر صنوف ثالثه مذکوره دن قغیسى  
اچجون الورشلى ایسه او صنفه تفریق ایدیلیورلر بولنلرک جمله سی قاج نفره  
بالغ او لور واورادن کیده جکلری موقع قاج ساعت بولنور ایسه انسای  
طريق تعیناتی نظامنے تو فیقاً بھ بش ساعتی بر قوناق عد واعتبار او نه رق  
و هرالى قوناقده بر کون دخی استراحت اچجون ضم قلنے رق جمله سی  
قاج کونلارک يول او لور ایسه بھر کون اچجون هېبر نفره التمشر پاره يکلک

گوند ئەنلاسما

حساب اولنور اخذ عسکر شعبه‌سی سوق اوله‌حق نفراتک مقدارینی  
 و نزهه‌یه قدر کیده جکلری و کیده جکلری موقعک اول قضادن قاج ساعتک  
 يول اوله‌حقی و ویریله جک مبلغک قاج غروش ایدوکنی و سوق مأمور.  
 ينك قنی الا و طابور و بلوکده بولندیغئی مین سوق مأمورندن امضا  
 و مهرلی برقطعه سند اخذ ایده رک اول مبلغی اعطای و نفراتی تسلیم ایله  
 اثنای طریقده برابر بولنق وبغض خصوصده یاردم ایمک ایچون  
 حکومت محلیدن ایجابی مقدار ضبطیه نفراتی ترفیق ایدر و امتحانه  
 و معاینه‌یه صورت اعزاملری ماده ساپهده واوتوز طقوزنجی مادده  
 کوستر یلان طبایله ضعفا و معلوینک یمکلکلر یده لوا هرکرلرینه قدر  
 بوصورته حساب اوله‌رق سوقلرینه مأمور ضابطه تسلیم قلنور ولوا  
 هرکرلرنده امتحان و معاینه اولنانلرک محللرینه عودتلریچون ایجاب ایدن  
 یمکلکلری دخی اورایه عنیتلرندن ویریلان یمکلکه توفیقاً حساب ایله  
 یدلرینه اعطای قلنترق امتحان اوله‌میان طبله علومه وضعفا و معلویندن  
 اسباب ماؤنیتلری زائل اولوبده اوتوز طقوزنجی مادده کوستردیکی  
 اووزره سلک عسکری یه المللری لازم کلنلره تعین اولنان محله‌قدر ویرلسی  
 لازمکلان یمکلکلر دخی اوراده سوقنه مأمور اوله‌حق کوچک ضابطه  
 سند اخذیله ویریلور و فقط کرک طلبه‌دن اولوبده امتحان اوله‌میان  
 نفراتک و کرک نفرات جدیده سائره نک کذرکاهلرنده شمندوفر اولوبده  
 شمندوفره ارکاب اوله‌حقنری ایله تخصیص اولندقلری موقع ایجابنجه  
 بحرآ کیملری لازم کله جکلرک یمکلکلر یده یالکر قضلرندن شمندوفر  
 استاسیونه ویا اینه جکلری اسکله‌یه قدر حساب واعطا اولنوب شمندوفر  
 ایله برآ قنی موقعه و اسکله‌لردن دخی بحرآ قنی اسکله‌یه چیقه‌حقنرایسه  
 شمندوفر وسفینه نوللاری و قومانیه‌لری ایچون سوقلرینه مأمور اولان  
 ضابطه اوراده بولنان ردیف امرا و ضابطاندن اک بیوک رتبه‌ده بولنان  
 ضابطه بالمرأجعه انک واسطه سیله اول استاسیون ویا اسکله‌نک تابع

اولدینی قضا ملکیه مأمورندن بالاده کوستیلان صورت وجهه سند  
اعطا اولنهرق بشقهجه اخذ اولنور وذکر اولسان ردیف امراسی  
طرفندن بوجله حکومت محلیه دن التوب سوق مأمورینه اعطای اولنان  
اچه ایله سوق اولنان افرادک مقدارلری اخذ عسکر معامله سنجه مرعی  
اولان سلسه مراتب قاعدهسنہ توفیقاً منسوب اولدینی اردو مرکزینه  
بیلدریلور وسوق اولنان افراد قنی برشمندوفر موقفه وبحراً دخی  
قنی براسکله یه چیقارلر ایسه اول موقف ویا اسکله دن یه براً بردیکر  
موقعه کیده جکلری صورتده کذلک یکلکلری حقنده بالاده بیان  
اولنان صورته توفیقاً معامله اولنور .

طقسان بشنجی ماده هبر قضا نک نفرات جدیده سنی تعیین  
اولسان محله سوق وايصاله مأمور اولان ضابط اثنای طریقده نفراتی  
کوزلجه حفظ ووچایه ایدرک خسته اولیه جقلری ورحمت چکمیه جکلری  
وجهه قوناق قوناق سوق ایدوب هر قوناق محله وصولرلنده مناسب  
 محلره وضع واقمه ایله یه جکلری تدارک ایتمک اوزره یکلکلری یه یداً  
 بید کندولرینه اعطای ویه جکلری تدارکده دخی ایجاب ایتدیکی حالده  
 معاونت لازمی اجرا ایدر نفراته اثنای طریقده هیچ برگونه بد معامله  
 واذا ایتمیه رک کمال منویت وحضور قلب اوزره اولملرینه سعی ایدوب  
 فقط ایچلرنده فرار ایدرک طویلانلر ویاخود فرار ایده جکی حس  
 اولنانلر بولنور ایسه اومقوله لری تخصیص اولندقلری موقعه کوندرملک  
 اوزره اک اول واصل اووه جنی محلک حکومت ملکیه سنہ تسلیم ایدر .  
 طقسنان التجی ماده سوق مأمورلری سوق ایتدکلری نفراتک  
 یکلکلریه قومانیا وشمندوفر وسفینه نوللرینک تسویه سی ضمینده ملکیه  
 مأمورلنندن نقدر نفرات ایچون نمقدار پاره آلوتلر ایسه دفتری سوق  
 ایتدکلری نفراتی کوتوروب تسلیم ایله جکلری موقعک اک بیوک ضابطه  
 اعطای ایدرلر و بودفتزلر موقع ضابطانی طرفندن دخی اردولری مرکز  
 لرینه تقديم و ارسال اولنور .

سوده مادری مقاضیه از ازد  
 بیچه اسلامیه رضه اتمکم را بریلر  
 دشنه خاره اهند مخهونه زاده  
 بدم بندی تیره اهناه اهناه اهناه  
(ش)

طقسان یدنخی ماده نفرات جدیده طاقم طاقم تخصیص اولند.  
 قلری الای و طابورلره ورود ایتدیکه سوقلرینه مأمور ضابطانک یدلنده  
 اولان سوق دفترلری موجنجه اول موقعده بولنان بیوک ضابط جمله سنی  
 بالعاینه تعداد ایتدیره رک افراد مرسقومه‌ی تفرقی اولندقلری صفله  
 نظرآ منسوب اولندقلری الای و طابورلره توزیع و تقسیم ایتدیره بونلر  
 میاننده خسته خانه خدمتچیلکنه تخصیص اولنمش اولان افراد کورینان  
 لزومدن فضله ایسه فضله‌سی اداره عسکریه هیئتله‌ی معیتلرینه ویریلور.

طقسان سکرخی ماده عساکر نظامیه شاهانه افرادنند منسوب  
 اوله جقلری اقسام عسکریه سوق اولنورکن اثنای طریقده فرار  
 ایدنلر اولور ایسه سوق مأموری بونلرک هربینک فراری عقیننده  
 قنخی کون و قنخی موقعده فرار ایتدیکنی سوق دفترنده کی اسمی حذاسنه  
 اشارت ایتمکله برابر فرار ایتدیکی وقتی و محلی مین وبالا سنده فرار  
 ایدن نفرک کنیه سی محمر اوله رق برقطعه تقریر تنظیم و بو تقریری اک  
 اول واصل اوله جنی موقعک اک بیوک ضابطنه و یاملکیه مأمورینه اعطای  
 ایدر و رفاقتنه بولنان افرادی ایصاله مأمور اولدینی موقعه و صولنده  
 بوجهمه بر تقریرده او موقعک قوماندانه ویر و اشبیو فراریلرک اردو.  
 لرنجه دخی تحری و دردستلری اسبابنک استکمالی ضمننده سوق مأموری  
 طرفیدن ویریلان تقریر اک بر صورتی او موقعک قوماندانی طرفیدن  
 درحال اردو سنه کوندریلور و سوق مأمورنک کتوره جکی سوق  
 دفترینک کذالک بر صورتی موقع قوماندانی طرفیدن اخراج و حفظ  
 و دفتر مذکورده سوق اولندینی کوسنتریلان افراد جدیده عساکر  
 شاهانه نک نقداری ورود ایدرک قنخی الای و طابورلره ویرلش اولدینی  
 کنیه‌لری حذالرینه اشارت و ترقیم وزیری تحیم ایدیله‌رک اصلی اردو  
 مرکزیه ارسال اولنور.

طقسان طقوزخی ماده اردویه ورود ایده‌جک عموم موجود

قاضاره بہنے کیا ادنیا ترک نو مرد من معاشر اسلامیہ ترین اول رکانے نو مرد اصانیہ دکھل کلار  
و دھبی ادله اذی دخاذ دندھ کیا یہ بیوی لیکھم کافی نظر نیوارنے ذر کئے رہ لکھیاں جیہے اضطر  
تاطری طرفہ بہ صدر بیانیں بھائیں مقام سر عسکریہ نظر لکھوڑیاں بھر تھیں

دفترلیاہ تخصیص و سوق دفترلیاہ اوڑیہ اردو جہ تدقیقات مقتضیہ  
بعد الاجرا اوسنہ اول اردو دائیرہ سنندھ اجرا قلنغان نومرو کشیدہ سی  
معاملاتی و خصوصات متفرعہ سنی حاوی اول ملق و دائیرہ عسکریہ جہ  
ایجباٹی اجرا اولینق اوڑیہ نومونہ سننہ توفیقاً ہر بر اردو ارکان حرب  
دائیرہ سننچہ تنظیم اولنہ جق جدول مقام سر عسکریہ تقديم قلنور ۔

یوز برجی مادہ کرک نومرو کشیدہ سنندھ مقدم و کرک نومرو  
چکلڈ کد نصرکرہ فرار ایمیش نقدر نفرات وارا یہ دفترلندہ محروم اولینی  
و جھلہ قضا و قریہ واسم و شرحدلیاہ اردو لرنجہ ولايت ولايت دفترلی  
یا پیلہ رق کندولرینک بالتحری بولدیر لمسیچون مذکور دفترلر با محترات  
ولايات والیلیاہ الویہ متصر فقلریہ کوندریلور بونلردن بشقه دیار  
اخردہ بولنوب غیابنندن ترتیب اول نومرو سی اصابت ایمیش اولنلرک  
دھنی کذلک مملکت مملکت دفترلیاہ تنظیم و سنلریاہ نرہدہ و کیملرک  
یانندہ وہ کونہ صنعت و مصلحتہ مشغول اول دقلری اسماری حذاریہ  
ترقیم اولنہ رق کندولرینک بولدیر لیلوب اردو لری جانبیہ ارسال قلنمری  
ضمتدہ اول دفترلر دھنی اردو لر طرفدن کذلک ولايات والویہ ارسال  
قلنور و بونلر قنی اخذ عسکر دائرہ سننک ایسہ لر ب瑞اندن ده او دائیرہ لرہ  
معلومات ویریلور ۔

یوز برجی مادہ دیار آخر ده بولنوب دھنیاً ترتیب اول نومرو سی  
اصابت ایمیش اولان نفراتدن در سعادت ده بولنلرک اردو لری جانبیہ  
ولايانہ کوندرلریکی کبی بر رقطعہ دفتری دھنی بال تنظیم اردو قوماندانلری  
طرفدن مقام سر عسکریہ تقديم اولنور اشبو دفترلرک پیادہ دائیرہ سننچہ  
تقدیقانی اجرا اولنہ رق مندرج اسمی اصحابنندن فصل ٹانیدہ کوستیلان  
وجوه و اسباب استثنائیہ حائز بولنان مستشا طو تیلوب قصوری متعلق  
اول دقلری دائیرہ استیلور و اصناف اولنلری شهر اماتی معرفتیہ  
وشونک بونک یانندہ بولنلری ده باب ضبطیہ واسطہ سیلہ طو بلا تدیریلور

بود فر زل عنہ محمد دھنے اردو مطبوعہ  
طواری کیا ایسا کھانہ  
بود فر ردم نومرد کرے دخادرن پڑی  
نمایم کو سریم حکم تا ہے کری  
اچھے نہ کوئی مکوند میدھکرے  
اکھر لہتے

خمار دا صاف دھنے اردو بیہ سانیہ  
فرغتھا صاف بیہ پڑھ دھنے دھنے  
اصل دھنے دھنے دھنے دھنے دھنے دھنے  
اکھنی کھانہ دھنے دھنے دھنے دھنے دھنے  
دھنے دھنے دھنے دھنے دھنے دھنے دھنے

طلبه علومدن اولوبده درسعادت مدارسنده بولنانلری باب والا فتوا -  
پناهی معرفتیله طلب و جلب اولنهرق کیچھلی و کوندو زلی مدرسه نشین  
طلبه دن اولوب اولدقلری ومدرسه يه تاریخ دخوللری و قنی سنه ترتیب  
اولی افرادندن بولندقلری بعد التحقیق باب والا مشیختپناهیده متشكل  
مجلس مخصوصده امرای عسکریه دن بری و خاصه اردوی هایونی  
مفیسی دخی حاضر اولدقلری حالده ذکر اولنان طبله نک سناریه کوره  
مشروط اولان درسلردن امتحانلری اجرا اولنهرق اثبات اهلیت علمیه  
ایلدکلری حالده افراد ماؤزونه يه یعنی سنه آتیه يه ترك اولنق و صوک  
امتحانلری ایسه عساکر ردیفه شاهانه سلکنہ نقل ایدلک اووزره کندو -  
لرینک قنی مدرسده اولدقلری و قنی سنه امتحانلرینک اجرا قاندیغی  
حاوی یدلرینه علم و خبر ویریلوب امتحان اوله میانلر و یاما دت مهله  
امتحانی چورمیش بولنانلر سلک عسکری يه قید اولنورلر .

یوز ایکنجی ماده ماده سابقه ده کوستردیکی وجهمه منسوب  
اولدقلری محللردن جلب اولنان افراد ایله امتحان اوله میان و یاخود  
مدت محدوده سی ظرفنده امتحانه کلامش بولنان طبله معامله قیدیه لری  
بالایفا عساکر نظامیه شاهانه سلکنہ النهرق منسوب اولدقلری اردولره  
ارسال و معاف و مستتا طویلانلرک کذلک معامله قیدیه لرینک اجرا سیله  
برابر کیفت استشاری اردولر نجھ موجود دفاترنده اولان اسمیسی  
حدزالرینه شرح ویریلک اووزره پوصله لری اردو قوماندانلرینه اسبال  
قلنور .

یوز اوچنجی ماده تحصیل علوم ایچون منسوب اولدقلری قضا -  
لرک درسعادتن غیریده بولنوبده نومرولری غیاباً چکدیریلان طبله  
علوم دخی بولندقلری محللرک منسوب اولدینی لوا دائره لرندن برنده  
اصلی وجهمه امتحانلری اجرا اولنور یوقاروکی بندده کوستردیکی

عما باز مردی اصحابه بی طبقه عالم  
تفصیلی مذکوره است - الای مختار  
کلمه طبع - در حقه فخر و عرض کفر  
بولنور میز مردم ایمه جب و میمه  
پیشیه علیه - ایمه طبع

اوزره بونلردن اثبات اهليت ايدنلره علم و خبر ويريلهرك واثبات اهليت  
ايده ميانلر ايله مدت محدودهسى اولان طقوز ماھ ظرفنده امتحانه  
كتمامشلر سلک عسکري يه اخذ اولنوب منسوب اولدقلرى اردولرە  
سوق ايديلورلر .

يوز درنجى ماده ديار آخرده بولنان طلبه علوم امتحانه كىدە .  
جىڭلىرى وقت قىنى مدرسه دە تىخىلىدە درلىر و بولندقلرى مدرسه يە قىنى  
تارىخىدە كىرمىشلىرى در و كىچەلى و كوندوزلى تىخىلىدە دوام اوزره مىدىرىلر  
وقىنى سنه طلبه سيدىرىلر بورالرىنى واسنان واشكاللىنى متضمن بولندقلرى  
 محلك منسوب اولدىنى اخذ عسکر قىمندن وياشعبە سىندن شەhadتىنامە آلمغە  
 مىحوردرلىر بناءً عليه هەملەتكىدە واقع مدرسه لىردە كرك يرلو و كرك  
 مسافر نىدر كىچەلى كوندوزلى مدرسه نىشىن طلبه علوم وارايسە  
 اسامى و شهر تلىنى و سىنلىنى و قىنى تارىخىدە مدرسه يە كىرمىش اولدقلرىنى  
 واشكاللىنى متضمن اول محلك ردېف طابورى مىكىرنىدە يعنى اخذ  
 عسکر شعبە سىندە بىر دفترى بولنور و بودفتر اوزرىنە هەواچ آيدە  
 بىر يوقىمه لرى اجرا اولنەرق يكىدىن كلان وياخود بىر محلە كىدىن ووفات  
 ايدين نىدر طلبه بولنور ايسە جەلسەنك وقوعاتى يولىلە و كەل دقتەلە  
 يورىدىلور .

يوز بشنجى ماده اخذ عسکر شعبە لرى دائرەلرنىدە واقع مدارسدە  
 بولنان طلبه علومك شەhadتىنامە لرىنە درجى لازمكىلان باجمەلە احوالى  
 طوته جىلىرى دفترە مراجعتى دىرىج واما ايدە جىڭلىرى جەتلە بومىڭلىو  
 طلبه دن اسنان واحوالى محتاج تحقىق اولنلىرىنىڭ كىفياتى كندولرىنىڭ  
 اساساً منسوب اولدقلرى محللىرى اخذ عسکر قلم و شعبە سىندن وسائى  
 اقتصا ايدين محللىرىن بالاطراف تحقىق واستعلام ايدرك تىيجه تحقىقاتى  
 مفصلاً دفتر مذكوره شرح و ترقىيم ايدە جىڭلىرى در .

يوز التىيجى ماده كرك نومرو كشىدە سىندن مقدم و كرك نومرو

چکلدن سکره فراره اجتسار ایدنلر نرده و هر هن وقت او لور ایسه او لوسون طوتلدقلنده نومرو کشیدنندن مقدم فرار ایدنلر سکسان طقوزنجی مدادده کوستردیکی وجهله زجر آ سلک عسکری یه قید والحق اولنق اوزره اردوسنہ کوندریلور نومرو کشیدنندن سکره فرار ایتش اولنلر دخی قضالرینک منسوب اولدینی دائره ردیف طابورلرینک بیکاشیسنه تسلیم ایله تحت الحفظ اردوسی طرفه ارسال قلنور بونلر منسوب اولدقلری جزو تامده درت ماه حبس ایله مجازات اولنور و بو مدت جزائیه خدمت عسکریه لرندن محسوب ایدنلز .

یوز یدننجی ماده ترتیب اوله منسوب عساکر نظامی شاهانه بقایاسی یعنی افراد من جوره ایله بالعموم فراریلری و تبدیل هوایه کیدو . بدھ افاقت بولقدن سکره عودت ایتیان افراد و آخر برداره دن کلوب اختفا ایتش اولناری الله کتور مکده ردیف ضابطانی هر بار اقدام ایده . جکلری مثلو نومرو کشیده سی هنکامنده بومقوله لری تحقیق و تحری ایده رک بولوب کوندرمک و محل آخرده اولنلرینی ایشیدیر ایسه کیمک یاننده و نصل خدمت و صنعتده اولدقلری تحقیق ایلیوب اشعار ایلمک بالعموم ردیف ضابطانک جمله و ظاهرندندر .

یوز سکرنجی ماده کرک نومرو کشیدنندن اول و کرک نومرو چکلدن سکره فرار ایتش اولان نفرات ایله نومرو کشیدنندن سکره ویرلش اولان یکرمی کون رخصتک ختمنده لاجل الامتحان لوا مرکزلرینه کتمک اوزره محل مخصوص اجتماعه کلمیوب قاچان طبه مؤخر آ الله چکه رک سلک عسکری یه قید اولندقلرنده فرارلری حیننده موجود و سوق دفترلریله محلاری نفوس دفترلرنده بولنان اسلامی حذالرینه ویریلان فراریلک شرحلری زیرینه سکره دن طوتیلوب سلک عسکری یه قید اولندقلری دخی اشارت اولنق اوزره بونلر قنی الای و طابورلرہ ادخال اولنور ایسه اول الای و طابور لردن اردو لرینه

واردولری طرفدن دخی مملکتلری ملکیه مأمور لرینه معلومات ویریلور .

یوز طقوزنجی ماده افراد عساکر نظامیه شاهانه دن احتیاط سلکنه و بوسکدن ردیفه و سلک ردیفden مستحفظه نقل ایده جکله ویرملک او زره ایجای قدر احتیاط وردیف و مستحفظ تذکرله اردولر طرفدن بالتنظيم محلارینه کوندیریلور .

### فصل سابع

(کوکلیله داخل سلک جلیل عسکری اولقلغلک شرائطی متضمندر )  
یوز اوننجی ماده کوکلیله داخل سلک عسکری اولق استیانلر شرائط آیه ایله قبول اولنورلر (شرط اول) هر کونه علل ساریه و مزمنه دن وارسته او له رق وجودی صحنه و عسکر لکه اویره جک حال و هیئتده بولنق (شرط ثانی) قوی البیه و توانا اولدیفی حالده سخی اون سکردن دون اولماق و سن مکلفیته داخل بولنامق (شرط ثالث)  
کندو سنک تمت سرت و سائر کونه محل عرض و ناموس برقباحت ظهوریله تیمور بند او له رق خدمات سفیله ده قوللانمش وین الناس ترزیل و تشهیر اولنمش اشخاصدن اولماق (شرط رابع) قید اولنه .  
جنی صنفك افرادی نظامنامه سی موچنجه بالفعل نقدر سلاح التده بولنورایسه او لقدر مدت خدمت عسکریه سی سلاح التده ادا ایمکه راضی اولق (شرط خامس) ابوینک رضاسی منضم بولنقدر .

یوز اون برنجی ماده اشو کوکلیلر مالک محرومه ساها نک هرقنی محلنک اهالیسندن اولورایسه اولسون بونلر هر زده و هرقنی برصنف عسکرینک قنی الای و طابورنده استخداملرینی استرلر ایسه او رایه قید اولنورلر بومثلاو کوکللو افرادک سلک عسکریده بولنقدلری مددجه دین دولته کال صدق واستقامله خدمت ایده جکلرینه دائر منسوب او له جقدری الای ویاطابور مجلسرنده الای و طابور اماملری

معرفیله و اصول مشروعه‌ی و جهله کندولریته بزرین ویریدرلکدن  
صکره البسّه عسکریه‌لری آکسا ایدیلور .

یوز اون ایکنچی ماده سلاک ردیفه و مستحفظه شاهانه  
سلکلرنده بولندقلری حالده بالفعل سلاح التنده بولنخی آرزو ایدنلر قنی  
صنفه منسوب بولنمش ایسه‌لریته او صنفه قید و قبول اولنورلر و بونلرک  
حین دخولرند سلاک ردیف و یا مستحفظه نقدر مدتلری قالمش ایسه  
کندولری سلاح التنده اوقدر مدت استخدام ایدیلورلر و فقط سنجاق  
التنده ترک تذکرہ ایدنلره اولنان معامله بونلر حقنه‌هه جاری دکلدر .

یوز اون اوچنجی ماده مستشا محلار اهالیسندن کوکلیله داخل  
سلاک عسکری اولق ارزوسنده بولنانلر علی الاطلاق بره و بخیریه‌جه  
ایستدکلری صنفه وایستدکلری الای و طابورلره قید اولنورلر بونلرک  
سنلری اون سکزدن دون واوتوز التین افزون اولماق مشروطدر .  
یوز اون دردنجی ماده بر قضاده سن مکلفیتده بولنانلردن  
اولوبده نومرو چکلديکی اثاده کوکلی اولهرق سلاک عسکری‌یه داخل  
اولنلر اول قضادن الله حق افراد یکونندن تنزیل قلنورلر .

یوز اون بشنجی ماده کوکلیله خدمت عسکری‌یه داخل ایدنلرک  
داخل اولدقلری سنه افرادی نه وقت سلاک احتیاطه نقل ایدیلور ایسه  
انلرده اوصره‌ده احتیاطه نقل اولنورلر .

یوز اون التنجی ماده منسوب اولدقلری دائمه نک خارجند  
بر دائمه کوکلیله سلاک عسکری‌یه داخل اولنلر منسوب بولندقلری  
قضادن مطلوب اولان افراددن محسوب و تنزیل اولنخ اوزره کندولر -  
یخ اخذ و قید ایدن دائمه‌لر طرفدن قضالرینک متعلق اوادینی دائره‌لر  
ردیف لوالرینه هان معلومات ویریلور .

یوز اون یدنجی ماده کوکلیله داخل سلاک عسکری اولنلر داخل  
اولدقلری صنفلره مخصوص اولان مدقی بالفعل اکمال ایتدکدن صکره

بدل نقدی دهیه هر ماه  
پاک طابور نی تعلیم خوار  
د تعلیم مقامات بر این شاپرد  
نرخه علایم مملو فضای افلاطون  
دلیل استقاله ایام همکار

طا بود قادیر به پائی خدمت امکنی  
هر دنگره ای ساطع  
مشت معین یا بینا و بدل نقدی  
رکوب طابور که همان خواران دیده  
بدل نقدی همان قابله در خادمه رسوده  
قوه همان خبر و خبره علم و خبر زندگی  
زیبایی ای همراهی  
دو خادمه رسیده همراهی  
بدل نقدی اخراج دو هشتم و خبره معلمای  
گوشه ای همراهی  
بدل نقدی خواسته ای خواره  
ادله نعم از فرم و رهیمه همراهی  
دانسته داریم

بدل نقدی در مبلغ وزنه هر طابور  
در برابر پیه تو خواهد بدل ای نقدی رسوده  
ای زیر و طابور همراهی  
طایفه نیز همچو طویله راه نقدی  
رسوده ای لذت خواره طابور  
گوشه ای بلو راهه مدت شاهد رسیده  
سبب نقل ای همراهی طابور  
نایخ رهه مدارسنه ای باور  
ای سایه خوش

با هر طابور بیزنه ای سلطان مدیر  
ای سایه خوش  
بدل نقدی دهیه همکار سایه  
تعاریف خضراء هم طابور خاره  
ارجعی یا ای ای شاهد صفت نکله  
بسی دسته هند نهاده بدل  
نقدی در مبلغ شفاهه بدل  
صرف مبلغ ای سبق نده خوشی

ای سایه دیاز یا ای سایه مددگار نزیه  
ای سایه هم طابور منه بسیاه ای خوار  
خد منه صورتی سیاه ای خوار

استدکاری قدر سلاح التنده بولنے بیلورلو .

### فصل ثامن

﴿ بدل نقدینک صورت ایفاسی متضمدر ﴾

یوز اون سکرنجی ماده خدمت نظامیه عسکریه نک بدل شخصی  
ایله ایفاسی اصولی لغو او لغشدر بدل نقدی قبولی حائز او لوں بونکدنه  
مقداری الی عدد عثمانی التوینیدر  
یوز اون طقوزنجی ماده بدل نقدی ویرمکی ارزو ایدنلرک بدل  
نقدیلرینک قبولی بولندقلری محله اک یقین بولنان قطعه عسکریه بش ماه  
مدت خدمت عسکریه بولنلریه مشروطدر بدل نقدی ویره جکلریخی  
نومرو چکیلوبده ترتیب اول نومرسی اصابت ایتدکن صکره اخذ  
عسکر شعبه سنه خبر ویرلر .

یوز یکرمنجی ماده زجری نومرو و اصحابندن بدل نقدی ویرمکه  
طالب اولنلرک بدل نقدیلری قبول او لغاز .

### ﴿ خاتمه ﴾

عساکر نظامیه شاهانه نک تریبات میمنه یه توفیقاً صورت اخذی  
میین تنظیم و تأسیس اولنان اشو قانوننامه همایون بیک ایکیوز سکسان  
الی تاریخنده تنظیم اوئش اولان قرعه قانوننامه سنک یرینه قائم اولوب  
قانوننامه مذکورک احکامی اشو بیک اوچیوز اوج سنه سی مارتندن  
اعتباراً منفسخدر .

ف ۲۷ صفر الحیر ۳۰۴ و ف ۱۳ شرین ثانی ۳۰۲

۲۷۷  
 مازناری که بوده مازناری ملت ایرانی بوده مازناری عادتی بوده از برآمده دل در طلاق نه عذر و بوند  
 بعادتی مذکوره طوری بجز این بقول اخوا - ۱۴۰۵<sup>۱</sup> بدل نقدی خدمت نعمت خدای اول بقصده  
 ادھرها نامه معاویتی تبار آید و پیه قانونی حقوق اسلامی را نام خلاصه نهاده بدل از این رسم  
 بدل در حادثه بوله بیان بیرون از  
 دفعه بدل از  
 مددی در پیش داده بوده بقیه بایه طلاق بوده از  
 از  
 بدل نقدی در پیش داده دلوس پیش از  
 دفعه بدل از  
 از  
 بقدر سرواله برش از  
 بدل نقدی طلاق بوده طلاق که همانند بوده دستگاه امنیتی از  
 ایجاد مفاسدی که نیزه داشت دفعه بدل از  
 بدل نقدی دیگر  
 بدل نقدی دیگر  
 نویسنده | ۲۹| بحث  
 از  
 بدل نقدی از  
 بدل نقدی از  
 بدل نقدی دیگر  
 طولانی موه معادله حقوقی ایجاد شد (۲۷)

